

پیرامون جدایی سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان

جدایی سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان یکی از رویدادهای منفی‌های اخیر در صفوف نیروهای ترقیخواه ایران است. این جدایی و تیزی آمدهای بحران زای اقدامات غیر قابل توجیهی که سازمان مجاهدین آنرا "انقلاب ایدئولوژیک درونی" نامیده است، گناهی سازهای در کار دشمنان مردم پدید آورد.

در سندهایی که با امفای شورای ملی مقاومت در نشریه مجاهدان انتشار یافته، گفته می شود اختلاف بر سر مذاکرات سیاسی حزب دموکرات کردستان با حکومت است. در این سندها مجاهدین اعلام کرده اند که: رد نکردن هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خود به معنی رده مبارزه در راه سرنگونی رژیم و نفعی اصل بنیادی مورد توافق طرفین آنجا دوشینتا به معنی خروج از اتحاد است. در سندی که با امفای "شورای ملی مقاومت" در نشریه مجاهد (شماره ۲۴۲) منتشر شد، از حزب دموکرات کردستان خواسته شد که: با امفای آن سند "هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خمینی" را "مننوع و محکوم" بشناسد و هرگونه عضویت آن در "شورای ملی مقاومت" فسخ خواهد شد.

حزب دموکرات کردستان در مقابل، مذاکره سیاسی رژیم را مجاز می شمارد و نیز اعلام کرده است که هدف از مذاکرات دستیابی به آتش بس به منظور تقویت مواضع خود بوده و نه چانه زدن و سازش با رژیم بر سر امحای عمومی و ملی حزب رهبری حزب دموکرات کردستان دلیل اصلی کشاکش مجاهدین و حزب خود را اختلاف در مورد چگونگی رهبری "شورای ملی مقاومت"، مناسبات درونی اعضا آن و مناسبات آن با دیگر نیروهای سیاسی می دانند. حزب دموکرات کردستان اعلام کرده که در جلسه تصمیم گیری پیرامون سندی که هرگونه مذاکره با رژیم را "منسوع و محکوم" اعلام می کند، او را شرکت ندادند و مطابق توافقی که موجود سندی که بدون حضور نمایندگان آن تصویب کرده، اعتبار ندارد.

مذاکره سیاسی با دشمن اصولاً در هر شرایطی نادرست نیست. هزاران تجربه این حکم را بطور قطعی اثبات می کند. مذاکره سیاسی با دشمن (حتی در شرایطی که نبردهای صورت یک جنگ تمام عیار باشد) می تواند گامی ضرورت قطعی بپیدا کند و بعنوان یک شکل از مبارزه علیه دشمن از سوی نیروهای ترقیخواه بکار گرفته شود.

یک نمونه بسیار برجسته بهره گیری انقلابیون ویتنام به رهبری حزب کمونیست آن کشور از گفتگوهای سیاسی است. انقلابیون ویتنام در اوج جنگ با امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشاندگان با زهم پیگیرانه کوشیدند دشمن را پای میز مذاکره به عقب نشینی وادار سازند و در این زمینه نیز پیروزیهای شایسته دست آورده اند. امروز نیز پیروزی انقلابیون السالوادور از مذاکرات سیاسی به سبب تقویت و تحکیم مواضع خود یک نمونه زنده در نظر نظریه ایست که هرگونه مذاکره با دشمن را قطع نظر از شرایط نفی می کند.

از سوی دیگر با بدگفت که اصول و حقایق فوق هرگز بقیه در صفحه ۲

تظاهرات گسترده مردم علیه جنگ و رژیم

از گسترش با زهم بیشتر تظاهرات و اعتراضات مردم جلوگیری نماید. در ماه گذشته نیز همانند مساه فرودین در اثر حملات سفاکانه با ساران به مردم بجان آمده از تبهکارانهای رژیم خمینی، تعدادی از هم میهنان ما بخون کشیده شدند. گسترده ترین حرکت اعتراضی ماه گذشته تظاهرات بزرگ مردم زحمتکش و به تنگ آمده از جنگ در اهواز بود که در هفته پایانی مساه اردیبهشت صورت گرفت. بر زمین نفرت عمومی مردم از رژیم خمینی، انتشار مقاله های اهانت بار علیه خلق عرب خوزستان، انگیزه برپایی این تظاهرات گردید. هزاران تن از مردم خوزستان در روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه در حالیکه علیه رژیم جمهوری اسلامی شعار می دادند، در خیابانهای اهواز به حرکت درآمدند.

پیش از آن هموطنان عرب اهوازی در مرحله بقیه در صفحه ۲

تدارک برای تحمیل قانون کار ارتجاعی

هیات دولت روز هشتم اردیبهشت ۶۴، لایحه جدید قانون کار را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه داد. طی ۶ ساله اخیر، این سومین پیش نویس قانون کار است که توسط رژیم جمهوری اسلامی، تنظیم شده است. نخستین پیش نویس "قانون کار اسلامی" را در پاییز ۶۱ توسط علی عسکری کرد، ولی هیات دولت، بواسطه اعتراضات میلیونی کارگران و افشاکاری های بیگران سازمان مساو حزب توده ایران، علیرغم میل باطنی خود، مراتب نگرداند این پیش نویس را به یک لایحه دولتی تبدیل کند. دومین پیش نویس قانون کار در زمستان ۶۲ توسط سرحدی زاده ارایه شد. این پیش نویس نیز که ملغمه ای از پیش نویس توکلی و قانون کار زمان شاه بود، در اثر اعتراضات پی در پی کارگران - که نقطه اوج آن، اعتراض یکپارچه اجتماع ۵۰۰ نفره نما بندگان کارگران در خانه دخانیات بود - به تصویب هیات دولت نرسید. رژیم ارتجاعی و کارگرسنج جمهوری اسلامی یک سال پس از آخرین ناکامی اش در تصویب یک قانون کار ارتجاعی، دست به توطئه تازه ای زده و پیش نویس جدید قانون کار را این بار مخفیانه به لایحه دولتی تبدیل کرده است. فراتر و قیحا نه تر از آن اینکه، حتی پس از ارایه به مجلس نیز کمترین اشاره به مضمون بقیه در صفحه ۹

حرکات اعتراضی مردم علیه رژیم فدمردمی و جنگ آفریز خمینی در ماههای اخیر گسترش باز هم بیشتری یافته است. در چند هفته گذشته نیز شهرهای مختلف کشور، صحنه تظاهرات و اعتراضات گسترده ای علیه رژیم بود. امروز وضع بگونه ای است که در هر فرصتی اجتماعات اعتراضی برپا می گردد و طی آن مردم نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز می دارند. واکنش رژیم در مقابل اشکال مختلف اعتراضات مردم گسیسل دستجات مسلح ارگانهای سرکوب است تا شاید بتواند

وزیر صنایع رژیم

"مرغ ما هم مونتاز است!"

بهزاد انبوی وزیر صنایع سنگین رژیم جمهوری اسلامی طی گفتاری بمناسبت سالگرد قطع رابطه با آمریکا در روز ۲۱ فروردین به توضیح وضعیت فاجعه انگیز صنایع کشور و توجیه برنامهای دولت برای گسترش با صلاح فعلیتهای صنعتی که در حقیقت جز تحکیم وابستگی به اقتصاد امپریالیستی نیست، پرداخت.

آقای وزیر در توضیح مشکلات موجود، ضمن اشاره به وضعیت با زمانده از زمان شاه برای شان خالی کردن از وضعیت موجود، گفت: "ما در همه صنایع وابسته ایم، حتی در جوجه کشی" و با ادعای موفقیت در تولید جوجه یک روزه، اضافه کرد: "مرغ ما هم مونتاز است! مرغ ما در از خارج، جوجه یک روزه تا چند وقت پیش از خارج، (دان خوراکی) آنجا از خارج و بعد از جنگ گاز و زوئیل مورد نیاز را از صنعت گسترش از خارج می آید. او همین گفت: "صنعت ما صنعتی مدرن و وابسته و نا همگونی کافی برای کشور است."

اینجا حقایق آشکار و افشاکاری است که مردم از زبان آقای وزیر می شنوند. چرا و این حرفه را می زند؟ اگر اینجا و آنجا برخی سران رژیم برای فریب مردم، بیشتر ما نه دم زشکوفایی، رشد و حرکت به سوی خودکفایی اقتصادی می زنند، در اینجا بهزاد انبوی شکرده زمان پیش شده دیگری را برای فریب مردم انتخاب کرده است. او تلاش می کند با گفتن گوشه هایی از واقعیت فاجعه با صنایع مربوط کردن آن به رژیم گذشته، پوششی بر زرفای ورشکستگی و نتایج وخیم سیاستهای پر مدعیان رهبران جمهوری اسلامی در ۶ سال گذشته بکشد. او نمی گوید که چگونه خیانت به انقلاب و در عمل تجدید و تشدید همان روندی که در زمان شاه به بست اقتصاد ایران منجر شد، صنایع و کشاورزی ما را به نا توانی بقیه در صفحه ۴

ادای احترام ریگان به فاشیسم هیتلری

به هنگامی که ملل جهان چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم را جشن می گرفتند، ریگان رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود به ادای احترام به ریگان و فاشیسم هیتلری دیدار کرده و گل نشانی در تالار کنگره و زنان و مردان و میلیونها انسان شریف از ملل مختلف جهان نمود.

ریگان در سخنرانی خود، عین ترین جناح امپریالیسم آمریکا زمانه دست گل برپایی قبرجنا بیکساران آلمان نازی گذاشت که بشریت ترقیخواه و مصلح دوست جهان، با همه کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها مردم اتحاد شوروی بخاطر بیداری ملل جهانی در ده سال گذشته با سرور و شادمانی پای می گویند و با چهره های مضم و مشت های گره کرده علیه جنگ آفروزان فریاد می کشیدند.

رئیس جمهور آمریکا از کورفا شیشتهایی دیدار کرد بقیه در صفحه ۸

تلفیق کار مخفی و علنی

و ضرورت کار سازمانگرا نه در میان توده ها

در صفحه ۶

درگذشت رفیق ایرج اسکندری کمونیسست پر سابقه و نامدار

رفیق ایرج اسکندری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از رهبران و بنیانگذاران حزب توده ایران در حالی که قلبش آکنده از امیدها ببنده و آزاده از تبهکارانهای ستعماران مرتجع بود در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۴۴ پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.

رفیق ایرج اسکندری در سال ۱۲۸۷ در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه، تحصیلات عالی خود را در فرانسه به پایان رساند. وی در دوران سپاه رضا خانی به سئوگر پیوست و در سپاه رضا خانی از پایان تحصیلات و بازگشت به ایران به همراه دانشجویان ترقی آرائی و باران مجله "دنیا" را بنیاد نهاد.

بقیه در صفحه ۸

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف

نشریه "کار" به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، با رفیق ما زیا رکاکوان، عضو مشاورهات سیاسی و مسئول شعبه کارگری کمیته مرکزی سازمان، مصاحبه ای ترتیب داد که، اکنون شرح آنرا با اندکی تاخیر به چاپ می رسانیم.

در صفحه ۳

در این شماره:

- همبستگی بین المللی با مبارزات مردم و سازمان فدائیان خلق ایران (انگیزه) در صفحه ۱۲
- تلاشهای مذبوحانه سلطنت طلبان در صفحه ۵
- یك پیروزی دیگر برای کارگران در صفحه ۷
- جایات دسته های حزب الله در صفحه ۷
- سرنوشت قانون اراضی شهری در صفحه ۵
- نابای جان، برای مین و مردم در صفحه ۱۲
- چشمان فرمان باز است! در صفحه ۸
- به یاد مجاهدین شهید حنیف آزاد و یاران در صفحه ۸
- آن مادر فرمان، دیگر در میان مایست در صفحه ۸
- نیکارای کوه پیروز است در صفحه ۹

علیه جنگ، برای صلح، پا خیزیم!

پیرامون چنین ...
 ...بدن، نه معنی نیست موارشرا بیخود، گزیده سیاسی
 ...شوا نند خدمت تقویت نیروهای ترقیخواه
 در مقابل دشمن باشد، درموارد بسیاری نیزمذاکره
 ممکن است به تقویت مواضع دشمن ویا به فریب
 توده‌ها و به دام افتادن نیروهای انقلاب
 و ترقیخواه منجر گردد.

امروزه بیش از هر چیز تلاش برای تقویت مواضع
 خود در جنگ است که رژیم جمهوری اسلامی و رژیم
 صدام را می توانند بفرماندهی "مذاکره" با نیروهای
 ترقیخواه مخالف خود ویا نزدیکی با پوزسیون
 ترقیخواه کشورهای دیگر و دارا بر این راستا بطور
 طبیعی هر دو طرف توجه خاصی به منطبق کردن سنا ،
 چه در ایران و چه در عراق می کنند، چرا ؟ چون در این
 مناظر نیروهای اپوزسیون هر دو رژیم به نسبت سرد
 مسلحانه مشغول اند و از نظر موقعیت نظامی نیز این
 مناطق در جنگ ایران و عراق ارزش استراتژییک
 ویژه ای دارند.

هر دو رژیم در رابطه با نیروهای اپوزسیون
 طرف مقابل خیلی زود دست بکار شدند، اما در این میان
 موفقیت جمهوری اسلامی کمترین بود، رژیم خمینی
 مناسبات بسیار شکننده ای با برخی از نیروهای
 کرد عراق برقرار کرده و تنها با دارنده مرجع "حزب
 الدعوة" که دست پرورده خودش بود، توانست
 مناسبات ادامه دار داشته باشد، حزب کمونیست
 عراق و متحدین آن، که از همان آغاز نقشه های
 رژیم خمینی را شناخته و خنثی کردند، همزمان با
 فشارهای رژیم عراق آماج توطئه های جمهوری
 اسلامی شدند.

در مقابل، رژیم عراق از همان آغاز به بسیاری
 از نیروهای مخالف رژیم ایران مراجعه کرده و برای
 جلب همکاری آنان روشهای و وزیروزیر بکار نه تری
 را در پیش گرفت.

توطئه های هر دو رژیم علیه اپوزسیون ترقیخواه
 خود نیز به موازات هم و در طول جنگ گسترش یافت،
 از جمله هر دو طرف کوشیدند تا قدرت نظامی، چه به
 مقاصد مردمی در مناطق کردنشین قلمرو خود را در
 کوتاه ترین مدت تا به دست آورند، رژیم عراق حتی
 فاشیستهای ترکیه را نیز به همکاری در این نقشه
 فراخواند، اما چون نتوانست این نقشه را عملی
 سازد، تا کنیک های زیرکانه تری را نیز برای برآوردن
 ویا نبودن جبهه نیروهای ترقیخواه بکار گرفت
 که برهیا هوتر از همه به اصطلاح "فرمان عفو عمومی"
 صدام است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز به موازات لشکر کشی
 منوال و ارباب کردستان، ناچار به تاکتیک های دیگر و
 از جمله به آنچه که "مذاکره" با حزب دموکرات
 کردستان مطرح شده می دانیدند.
 درگیری همه این تلاشها از سوی هر دو رژیم تنها
 تنها نباشد، ارتجاعی و ضد مردمی آنها را هر چه بیشتر
 برملا می کند، تا آنجا که به سال گذشته بر می گسرد
 هدف هر دو رژیم از مطرح کردن روشها و تاکتیکهای
 جدید در مقابل نیروهای ترقیخواه داخلی و تلاش آنها
 در برقراری مناسبات دوستانه با نیروهای مخالف
 رژیم متخاصم تقویت مواضع خودشان در جنگ
 است، برای رژیم عراق و هم برای جمهوری اسلامی
 اهمیت بسیار زیادی در دکک علاوه بر تلاش برای تابستوری

تظاهرات گردهم مردم ...

بقیه از صفحه اول
 لشکرآباد با گردنهای هائی به تبادل نظر
 پیرامون این مسئله ونحوه واکنش در برابر آن
 بر پا شده بودند، با شدت گرفتن اعتراضات
 موسمی جزایری امام جمعه اهواز به منظمه
 لشکرآباد آمد، و بر آن بود تا با سخنرانی های
 عوام فریبانه به مانع گسترش اعتراضات گردد، اما
 مردم محله لشکرآباد از حضور در جلسه سخنرانی
 خودداری می نمایند، دامنه اعتراضات به تدریج
 به بالایی گزید، اجتماعات کوچک گسترده تدریج
 می شود تا در روز سه شنبه جمعیت بزرگی در محله
 امامیه اهواز گرد آمده و به سوی خیابان
 نادری به حرکت در آمدند.

تظاهرات در همان آغاز در صبح روز سه شنبه
 مقابله خونت با ارکان های سرکوب روبرو
 گردید، اما مردم نیز دلاورانه پایداری کردند
 و تظاهرات چنان ادامه یافت مردم به طور
 همه جانبه از تظاهرات کنندگان حمایت به عمل
 آوردند و هر لحظه بر تعداد کسانی که به آنها
 ملحق می شدند افزوده می گردید، با سداران رژیم
 درهای از گسترش این تظاهرات به سوی مردم
 آتش کشیدند که در نتیجه آن عده زیادی
 از تظاهرات کنندگان کشته و مجروح گردیدند، تعداد
 کشته شدگان تا این تظاهرات برآورد شده است، با وجود
 این مردم اهواز بهمانگونه که زحمتکاران ۱۳۴۳
 نشان دادند، با پس نماندند، تظاهرات کنندگان
 بعد از ظهر این روز به صورت گروهی کوچکتر
 در محلات مختلف شهر اهواز پراکنده شدند و تظاهرات
 شبانگه تظاهرات را ادامه دادند.

در روز بعد با وجود پیش بینی های امنیتی
 رژیم، تظاهرات کنندگان یکبار دیگر آغاز شدند و
 بصورت پراکنده تا ساعت ها ادامه یافت رژیم
 با دستگیریهای وسیع و با بکارگیری همه
 امکاناتش کوشید تظاهرات را مهار کند، برای
 سرکوب مردم نفرات سدار را از دیگر شهرهای

کا مل نیروهای مترقی در کردستان ایران و کردستان
 عراق و برای تغییر سمت مبارزانین نیروها، ایجاد
 تفرقه و درگیری در صفوف آنها و خنثی کردن آنها
 به هر قیمتی، دست بکار شدند، با روش
 تسابری پیشبرد سیاست خودی شد
 جنگ ایشا در جنبش ملی خلق کرد در کشور خود و علیه خود
 بکار بندید و مقابل بر چنین فشاری در کشور دیگر و
 علیه طرف مقابل خود در جنگ بیا فرایند، برای
 مبارزان کرد در هر دو کشور اهمیت اساسی دارد که
 هشیار باشند و از زنده دهکده این رژیم های ارتجاعی
 فرست چنین ما شورایی را بیا بیا، بطور مشخص تر
 با بدتای کید کرده ما نیروهای ملی خلق کرد کشور ما
 مساله "مذاکره" با نیروهای ملی خلق کرد کشور ما
 را پیش کشد، هدفی جز ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف
 نیروهای ترقیخواه، عقب نشاندن و خنثی کردن
 نیروهای ملی کرد در مجموع تقویت مواضع خود در
 جنگ را دنبال نخواهد کرد، چنین نقشه هایی باید
 از سوی نیروهای ملی خلق کرد قاطعانه خنثی و
 نیرنگ دشمن خنثی گردد.

آیا و علت اصلی گسستن اتحاد ما زستان
 مجاهدین و حزب دموکرات اختلاف بر سر "مذاکره سیاسی"
 با رژیم است؟ این بدیهی است که علیرغم نظر سازمان
 مجاهدین صرف عدم تعهد قبلی به متاع قطعی
 و همیشگی از مذاکره با رژیم نمی تواند دلیل امتناع
 از مبارزه در راه سرنگونی رژیم تلقی شود، حزب
 دموکرات کردستان نیز خود بی نتیجه بودن مذاکره
 سیاسی با رژیم را از انعام می کند.

از سوی دیگر همین امروز حزب دموکرات کردستان
 مثل مجاهدین با رژیم در نبردها و در راه سرنگونی
 آن مبارزه می کند، مواضع و اهدافی آن نیز بسته
 تا زکی تغییرات فاحشی نکرده و وجود همین مواضع
 و اما جها اتحاد آن با مجاهدین تا کنون دو آورده
 بود، برای این از همه تا رسما از سوی رهبری سازمان
 مجاهدین خلق بعنوان دلیل اختلاف وجودی با اعلام
 شده یک چیز باقی می ماند: با فشاری مجاهدین
 برای مشروط کردن اتحاد بر پیشاپیش هرگونه
 مذاکره ای با رژیم، و در چنین شرطی از سوی حزب
 دموکرات.

در چنین کشاکشی البته روحیه ای متقابل
 عیان است، با اینکه اگر اختلافی واقعاً بین باشد،
 اگر هدف از قرارداد چنین شرطی برای اتحاد،
 تعیین تداوم آینده نبرد علیه رژیم باشد،
 منطقی نمی تواند و نباید در چنین شرایطی موجب
 گسستن اتحاد و یا تضعیف علیه رژیم و توجیه تضعیف
 جبهه نیروهای مترقی در برابر دشمن شود، نیروهای
 ترقیخواه یقیناً می توانستند داخل مشکلاتی به مراتب
 بزرگتر از این قدم به قدم و تا هر اندازه ممکن
 خود را از اتحاد در اهواز رازند، در چنین حالی چگونه
 دوسازمان ترقیخواه و متحد در عرصه های مختلف
 یکدیگر را یاری می دهند، نمی توانند این مشکل
 خود را بطور دموکراتیک مورد بحث قرار دهند و میسوی
 بر حل آن نمانند؟ آیا اگر ضرورت و فوریت امر اتحاد
 نیروهای مردمی به درستی ترک می شود در اتحاد
 پیگیری لازم وجود می داشت و اتحاد بی پایه های
 درست و اصلی خود استوار می شد، با زهم اختلاف

خوستان روانه اهواز کردند، تعداد دستگیر شدگان
 به صد ها تن رسید، هم اکنون زندان کارون و زندان
 والفجر از کسانی که در چنین تظاهرات واپس از آن
 دستگیر شدند، انباشته است، سردمداران رژیم در
 منطقه، ضمن سخنرانیهای تهدید آمیز اعلام داشتند
 که دستگیر شدگان را اعدام خواهند کرد، از آنها
 اینکه تهدیدات برانند تا مردم را از تظاهرات
 مجدد بازدارند، درواکنشی دیگر، گروهی از آزادی
 و واپس حکومتی را در اهواز لیکه توسط نقرات مسلح
 با سدار اسکورت می شدند، در چند خیابان اهواز به
 راه میبای و انداختند و سپس رسانه های خبری رژیم
 های هوراها و انداختند که گویا سائر خوستان
 پشتیبان آنها هستند.

در هفته های اخیر علاوه بر تظاهرات بزرگ اهواز
 تظاهرات متعدد دیگری علیه رژیم برپا شد، بخشی
 از آنها واکنش های اعتراضی خماگین مردم در برابر
 واپس حکومتی بودند، بلوای حجاب را راه انداخته
 بودند، از جمله در بندرانزلی رویا رویی مردم
 چماقدارن به برپائی تظاهرات بزرگی انجام میدادند
 نزدیک به هزار تن از مردم در حالیکه شعارها
 علیه رژیم می دادند به مقابل با واپس برخاستند
 آنها در خیابانهای این بندر دست به راه میبای
 زدند، در برابر قاطعیت و ایستادگی مردم جماعتداران
 ساگر نیزه فرار کردند، با سداران کمیته کسسه
 مسلحانه تن از واپس چماقدارن با اصطلاح "حزب الهی"
 پشتیبانی می نمودند به تظاهرات کنندگان حمله کردند
 مردم در مقابل اهادی کمیته وسپاه به مقاومت
 برخاستند و درگیری گسترده ای بوجود آمده که به
 مجروح و مفروض شدن گروهی از مردم و افراد کمیته و
 چماقدارن منجر گردید، علیرغم وحشی گیری های کمیته
 و با اصطلاح حزب الله تظاهرات همچنان ادامه یافت
 و با سداران قادر نبودند آنان را متفرق سازند،
 حتی دستگیری گسترده تظاهرات کنندگان نیز نتوانست
 مردم را مرعوب نماید، این بار تظاهرات کنندگان
 برای آزاد ساختن دستگیر شدگان به سوی زندان شهر

مجاهدین خلق و حزب دموکرات به اینجای می کشید
 با اصلا منگلی می توانست به این شکل درآید؟ خیر
 علت اصلی گسستن اتحاد دوسا زمان را درست در همین
 جا باید جستجو کرد، مساله اصلی این است که اگر
 نقش و تا شریما زه متحده نه نیروهای ترقیخواه
 در پیروزی بر دشمن، آنجا نکه ضرورت شناخته
 محاسبه می شد طرفین، مبنای وساختار اتحاد چنان
 پی می ریختند و چنان پاسی می داشتند که تنها
 چنین اختلافی گسسته نمی شد، بلکه مکان حجاب
 این اختلافها نیز تا مین می گردید.

اتحاد نیروهای ترقیخواه و زمانها را استحکام
 لازم برخوردار است که برشالوده هدفی مشترک
 در یکباره رژیم استوار گردد و مشترک هم
 نیروهای ترقیخواه کشورهای مبارزه در راه سرنگونی
 رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به
 نیروهای ملی و دموکراتیک است، با علی که
 مبنای اتحاد مربوط نیست مخدوش ونفی شود، ایبر
 مساله که به قیمت گسستن اتحاد بر پیش شمر
 برای اتحاد حزب دموکرات و سازمان مجاهدین خلق
 با فشار خود در جلسه تصمیم گیری راجع به سر نوشت
 اتحاد ما بیندگان حزب دموکرات شرکت نیا بندند
 نمونه یا زنی مفا بر با اصول و ضرورتها اتحاد است
 اتحاد دوقتی پایدار می ماند که سازمانهای متحد
 مجاز باشند استقلال نظر و عمل خود را در تمام زمینه های
 که مبنای اتحاد نیست، حفظ کنند و هر یک از آنها
 بتوانند در حد توان و امکان و نیروی مادی و معنوی
 خود در رهبری اتحاد در تصمیم گیری واقعا سهیم
 و به اجرای آن واقعا متعهد باشند.

ما پیش از این نسبت به حساسیت اوضاع کشور
 هشدار داده ایم و امروز بیش از همیشه تاکید
 می کنیم که سیر رویدادها مدام بر حساسیت اوضاع
 و لزوم هشاری و آمادگی نیروهای ترقیخواه،
 می افزاید، در چنین اوضاعی اهمیت اتحاد نیروهای
 ترقیخواه برای خنثی کردن تلاشهای ارتجاع غالب
 و مغلوب و سمت دادن رویدادها، رسد خلق کتمان
 ناشدنی است، دست زدن به اقدامات تفرقه جویانه
 و دشمن شادکن بویژه در شرایط کنونی تا شیسرات
 منفی و بلاوا سطحی و برجسته می گذارد.

در چند سال اخیر در طیف نیروهای ترقیخواه
 تنها اتحادهای امشورجودی، اتحاد سازمان فداییان
 خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و اتحاد
 سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دموکرات
 کردستان ایران بوده است، سازمان فداییان خلق
 ایران (اکثریت) از گسستن اتحاد اخیر عمیقاً متأسف
 است و آن را به سود رژیم و مجموعه نیروهای ارتجاعی
 ایران و منظمه آزادی می کند.
 گسترش مناسبات میان نیروهای خلقی تا سطح
 اتحاد همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور تنها
 شکل با سخگویی موثر به نیا زهای جنبش انقلابی
 است، با تکیه بر این ضرورتها در دوسا زمان
 می توانند برای گسستگی فائق شوند و پیش از آنکه
 روندهای منفی تدریجاً مناسبات طرفین را شکند، اتحاد
 خود را احیا سازند، فداییان خلق ایران چنین
 اقدامی را ضروری می دانند.

به راه افتادند، آنها در برابر زندان در حالیکه
 شعارهای اعتراضی خود را تکرار می کردند، خواستار
 آزادی دستگیر شدگان گردیدند.
 اگر چه در میان مجموعه حرکات اعتراضی د
 هفته های اخیر، تظاهرات مردم علیه جنگ و همچنین
 موارد مقاومت در برابر واپس حکومتی برجسته
 اما مردم از هر فرصت دیگری نیز بهره می گرفتند
 انزجار و نفرت خود را از رژیم ضد مردمی خمینی
 سیاسی نشان می دادند، از جمله آنها تظاهرات
 بوده که در خیابان کارگرمالی تهران برپا شد
 اجتماع عده ای از مردم در برابر ساختمان شرکت
 نوظهور در تهران برپا داشت کارت همیه پرست
 و دستمال کاغذی زمینه برپائی این تظاهرات گردید
 جمعیت حاضر در صحنه اعتراض خود را بسا دادن
 شعارهای علیه رژیم ابراز داشتند، آنها با مسدود
 ساختن خیابان کارگر تنها می منطقه را از میسدان
 انقلاب تا بلوار کاووز در اختیار گرفتند، رژیم
 بلافاصله با اعزام واحدهای گاردشهربانی کوشید
 مردم را متفرق نماید، اما به رغم ضرب و شتم
 تظاهرات کنندگان توسط گاردشهربانی، تظاهرات تا
 ساعتها ادامه یافت، در این تظاهرات نیز عده ای
 را دستگیر و روانه زندان ها کردند.

گسترش مبارزه زحمتکاران علیه رژیم خمینی ت
 تنها رژیم که در انقلاب مغلوب راهم به دست و پا
 انداخته است، رسانه های خبری امیراللیستی که با
 حساسیت خاصی حوادث ایران را تعقیب می کنند، نقش
 ویژه ای در این میان ایفا می نمایند، آنها سراسر
 تحت الشعاع قراردادن مبارزات مردم، اخیراً
 بوق و کرنا حول تبلیغات محمکنا پور بخیا رپیرامون
 ایجاد ترا فیک، در تهران جنجال برپا کرده اند،
 در برابر روشیای نیروهای انقلابی و با افزایش
 تبلیغات افشاگرانه امکان بهره گیری با ندها
 مدانقلابی هر چه کمتر می شود.
 مردم میهن ما در راستای مال خویش مبارزه را داشته می دهند
 کار رژیم جمهوری اسلامی در جلوگیری از گسترش آن دشوارتر می شود

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف

مصاحبه با رفیق مازیار کاکوان عضو مشاور هیات سیاسی و مسئول شعبه کارگری کمیته مرکزی سازمان

سؤال - بنظر شما مهمترین مختصات جنبش کارگری ایران در مرحله کنونی چیست؟

جواب - با درود به طبقه کارگر و زنده و بیدار میهنمان که در سنگر مقدم بیگانه سرنویشت سا زملخ، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی قرار دارد، و شاد دباش جشن اول ماه مه با همزحمتگان شریف و مبارز میهن، جنبش کارگری میهنمان اکنون پیشروترین بخش جنبش توده‌ای است. این موقعیت، صرف نظر از قدرت کمی فزاینده کارگران، بیش از هر چیز محصول تجارب پروریا ری است. از مبارزات چندساله اخیر طبقه کارگر و همچنین تا تیرا نگارنایدیر نقش سازمان ما و حزب توده ایران در اعتلای این مبارزه است. کارگران ما اکنون دیگر کارگران قابل ازال ۵۷ نیستند، آنها همانند دیگر کارگران قابل تجربه یک انقلاب عظیم را با تمام بغرنجی‌ها و فراز و فرودهای آن با خود دارند، مفا برای اینکه آنها محکم‌تر از همه اقشار ربا انقلاب پیوند داشته، عمیق‌تر از همه نیروها از تجارب انقلاب آموخته و پیگیرتر از همه طبقات برای تحقق آماجهای انقلاب

زنده‌اند. جنبش کارگری نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای است. قدرت این جنبش را می توان در جنبش ضد جنگ، در جنبش قانون کار، در اعتراضات پیاپی و روبه گسترش، در مبارزه علیه با زس دا در کجا زانکت ملی شده، در مبارزه علیه کلان تجار، زمین خواران شهری و حایمان حکومتی آنرا، از طریق تداوینیهای مصرف و مسکن کارگری و در مبارزه علیه سیاست اختناق و سرکوب حاکم برجاس مع، به وضوح دید. جنبش ضد جنگ در میان کارگران، بویژه در ما ههای اخیر به حویلی با بقای گسترش یافته و این یکسانی از ویژگیهای با رز جنبش کارگری میهن ما است.

جنبش قانون کار طی سالهای اخیر، علیرغم همه توطئه‌های رژیم هیچگاه فروکش نگذره. همچنین روح مطالبات صنفی کارگران را تشکیل می دهد، اما آنچه که اکنون بدان افا نه شده، افزایش چشمگیر روزافزون و اعتمادی و انزجار توده‌های کارگری نسبت به رژیم حاکم است. رژیم نیز با حساسیت و اضطراب، نظر به گسترش شتابگیر این روند است. رژیم خمینی در برابر مطالبات و حقوق صنفی-سیاسی کارگران، ابتدا از بی اعتنائی به خواسته‌ها شروع کرد و به سرکوب کارگران رسید. کارگران نیز که از طومار رنوسویی و مراجعه به مقامات شروع کرده بودند بتدریج به اعتنا رسیدند. یکی از مهم‌ترین ویژگیهای این مرحله از مبارزه این است که اکنون ما شاهد روی آوردن لایه‌های هر چه وسیع‌تری از توده‌های کارگری به شکل قاطع تر و موثرتر مبارزه، بویژه اعتنا، هستیم. این روند به پیچیده منحصربه و احدهای بزرگ صنعتی نیست، بلکه کارگران رشته‌های دیگر و نظیر و احدهای خدماتی، با اختنا نسبی، صنوف و حتی بخش‌هایی از کارگران کشاورزی را نیز در بر می گیرد. اما صلاح اعتنا با بیش از همه توسط کارگران صنعتی بکار گرفته می شود.

مبارزات اعتراضی کارگران از کم کاری گرفته تا قطع کار (اعتنا) مبارزه‌ای است پرنده منسه که هر چه بیشتر می گذرد، در نظام اقتصاد حاکم اختلالاتی جدی ترومیلتک تروچودمی آورد. جنبش پیشی نعمت زاده مدیرکل توانیرا اعتراف کرد که: "اکنون ما با یک اعتنا بسیار اعلام نشده به نام کم کاری مواجه هستیم که توانیرا به حداقل میزان آن کاهش می دهد و تمام زمان بندی‌های برنام ما را بهم می زند."

رژیم خمینی تلاش می کند تا با سازماندهی و تمرکز ارگانهای جاسوسی و سرکوب در محیط‌های کارگری، با منع شکل گیری و گسترش اعتراضات و اعتنا سات کارگری شود. اما تجربه مبارزات یک ساله اخیر به وضوح نشان داده است که این تشبثات همانا، شمشیر بر سنگ آژودن است.

ایستادگی قاطعانه کارگران در برابر سرکوب مسلحانه و با زده شدن و زندان و شکنجه و با فشاری کارگران بر خواسته‌های عادلانه خود، نشان تسلیم ناپذیری آنان در برابر منطبق جود است. یکی دیگر از ویژگیهای این مرحله از مبارزه، اعتلای چشمگیر روحیه همبستگی در میان صنوف کارگران است. با رزترین نمونه این همبستگی را در بارز تات و سیمی که اعتنا بزرگ دواب آهن در کارخانجات مختلف داشت، دیدیم. بسیاری از واحدهای بزرگ و کوچک از خیرها و شعارهای همبستگی و پشتیبانی از اعتنا بگران پر شده بود. شعار رنوسویی و پخش اعلامیه در اعتراض و برآ و تفرقت نسبت به حاکمیت در یک چنین مقیاس گسترده‌ای، اساسا درع ساله اخیر بی سابقه بود. اعلام همبستگی پر شور کارگران واحدهای ماشین سازی تبریز، ایران ناسیونال، نفت تهران، نفت اسفهان، شرکت واحد، راه آهن

اسفهان، گانا دا درای و دهها واحد دیگر که ممکن بود حتی به درجه اعتنا ب همبستگی نیز فراروید، خود نشان نایست از فراهم شدن زمینه‌های اولیه برای همبستگی فعلی تروگسترده تروچه بسا اعتنا با ترشده‌ای، منطقه‌ای و با سراسری آینده.

همچنین شرایط ناشی از جنگ، بحران اقتصادی و خفان حاکم بر کشور وضعیتی را فراهم آورده است که در آن حتی خواسته‌ها و شعارهای صرفا اقتصادی کارگران و زحمتگان نیز به سرعت خصلت سیاسی پیدا می کند و این یکی دیگر از مختصات جنبش کارگری ما در لحظه کنونی است.

یکی دیگر از ویژگیهای مهم مرحله کنونی جنبش کارگری، روند چشمگیر منزوی و طرد شدن نیروها و محافل وابسته به حکومت (مثل انجمن‌های اسلامی ...) در میان کارگران است. این روند را آشکارا اعتنا با یک ساله اخیر کارگران بطور فزاینده‌ای شده دیده‌است. تا حدی که کارگران علاوه بر طرد عنا صروا بسته به انجمن‌های اسلامی، خواستار نخلال خود این نهاد نیز می شوند. سیاست استکبری حکومت نه تنها با عت تقابل و دشمنی نهادهای حزبی وابسته به حاکمیت مثل انجمن اسلامی مابردم گزیده بلکه نهادهای صنفی دولتی ای مثل خانه کارگران نیز منزوی و مطرودمی سازد.

بالاخره مرحله کنونی جنبش کارگری ما یک ویژگی قابل تا کید دیگر نیز دارد که غفلت از آن می تواند ضریات جدی به گسترش و تا کم مل این مبارزه بزند و آن خصلت خود بخودی با رزمیا رزات کارگری و پراکنندگی و بی سازمانی چشمگیر آن است. این، بزرگترین ضعف جنبش کارگری ما در مرحله کنونی است. رهبری اعتنا با و مبارزات اعتراضی دیگر، به پیچیده متناسب با نیرو عینی کارگران حاضر در صحنه نیست. این ساله، حساسیت و اهمیت نقش عنصر آگاه و سازمانگرا در وضعیت کنونی، مفا عت می سازد. تشخیص و طرح شعار مناسب لحظه، تعیین زمان مقتضی طرح آن، تشخیص زمان پیروزی و عقب نشینی و چگونگی حفظ نیرو در برابر برضریات و پورشهای پلیسی، و بطور خلاصه هر تلفیق مبارزه صنفی و علنی در شرایط شرایط زمانه ای حاکم بر کارخانجات، مساله اصلی این رهبری است. فقدان رهبری مخرج، خود اتکندی حرکت را استمرار داده و پراکنندگی نیرو را تشدید می کند. ارگانهای سرکوب رژیم خمینی، تنها با استفاده از تجهیزات ضعف رهبری و سازمانی حرکات اعتراضی است که گاه موفق می شوند در جریان اعتنا با و حتی پس از پیروزی آن، ضریات متقابل بر صنوف کارگران وارد و رنوده‌ای از فعالین را شنا سایی کرده و با زده شدن یا اخراج کنند.

سؤال - در شرایط خفان با رکنونی جنبش توده‌ای کارگران را چگونه باید سازمان داد. وظایف عاجل کارگران پیشرو در این لحظه چیست؟

جواب - همانطور که اشاره کردیم، جنبش کارگری ما علیرغم همه نقاط قوتی که دارد در عین حال از پراکنندگی صنوف خود وضعیت رهبری سازمانی رنج می برد. غلبه بر این ضعف مهمترین وظیفه پیشروان کارگری است. وظیفه مبرم و شعار اصلی ما در این رابطه ایجاد سازمانهای صنفی مستقل است. ما در شرایط نبود و یا ضعف و انفعال شکل‌های صنفی، یعنی در شرایطی که رهبری مبارزات توده‌ای کارگران بطور علنی امکان پذیر نیست، تداوم مبارزات ضد استکباری به ناچار با یکدیگر و صنفی و از طریق هسته‌های صنفی مرکب از فعالین کارگری پیشرو انجام می گیرد. به عبارتی دیگر شرایط خفان با ریلیسی حاکم تشکیل هسته‌های صنفی فعالیت کارگری را به ما به حلقه اصلی سازماندهی و هدایت جنبش کارگری در دستاور کار پیشروان طبقه کارگر در محیط‌های کارگرسرا می دهد. هسته صنفی فعالین کارگری یک واحد، تا تحکیم یک شکل صنفی مستقل و علنی و پایداری در آن واحد، ضرورت وجودی اش را حفظ می کند. وظیفه عاجل کارگران پیشرو در لحظه کنونی در درجه اول سازماندهی این هسته‌ها به مثابه یک شکل مرکزی صنفی کننده و در عین حال سرکوت در شکل‌های صنفی علنی و رسمی برای افشای ضوابط ارتجاعی حاکم بر آنها و طرد عنا صرا زشکار و مرتجع از رهبری آن و متحول کردن آنها به یک شکل صنفی مستقل یعنی متکی به اراده کارگران است.

هسته صنفی فعالین کارگری در این مبارزه ضمن با سخوبی به حوا بیجاری، زمینه ساز ایجاد یک شکل صنفی مستقل علنی است. پیشروان کارگری با پیدا زهراتسی برای ایجاد واحدهای متشکل‌های صنفی مستقل استفاده کنند. از انتخاب نما بنده برای طرح طبقه بندی مشاغل و یا طرح بهره‌وری گرفته تا ایجاد

کمیته‌های ورزشی، از صندوق مخفی کمک به کارگران اخراج شده و صندوق مخفی حمایت از کارگران زندانی شده گرفته تا صندوق مخفی اعصاب و متحول کردن صندوقها و کمیته‌هایی که ظرفیت ایفای نقشه‌های موثرتری در هدایت مبارزات صنفی دارند مبارزات جاری را رهبری نموده و راه ایجاد شکل‌های توده‌ای مستقل را هموار سازند. چه بسا این با آن کمیته‌ها هیات نما بنده‌ای، این با آن صندوق مخفی یا به‌های سندیکای آینده گردنند. صندوق نیز خود نوعی شکل است. اما به ما در درجه که مخفی است، محدود نیست. هسته مخفی یا سند ظرفیت این هیاتها، کمیته‌ها و صندوقها را در نظر بگیرد و از آن به مثابه اهرمی برای سازماندهی مبارزات جاری و آتی استفاده کند. بدیهی است که این صندوقها و یا کمیته‌ها در آغاز یا بدتیا مخفی باشند. با به‌های گسترش و اوج گیری جنبش البته می توانند فرآگیر شوند. بعدها، قاطعا در ادامه کار خود رسالت شان را انجام داده و جای خود را به سندیکا (یا شوراه) خواهند داد.

اما نشی هسته صنفی کارگری به مثابه تشکل رهبری کننده همه اشکال مبارزات سندیکایی در شرایط کار مخفی یک نقش محوری و مرکزی است. هسته مخفی می‌تواند با میدومها هنگی و تمرکز همه هیاتها، کمیته‌ها و صندوقها را کارگری باشد. این هنر خود هسته مخفی است که بتواند اولاد با این هیاتها و کمیته‌ها و صندوقها پیوند و ارتباط محکم داشته باشد. تا نباشد با نشان دادن قابلیت رهبری خود، درایت و تحرک انقلابی اش در اتخاذ به موقع شعارها به مثابه یک مرکز رهبری کننده واقعی، این امکان را به واقعیت تبدیل کند. و با تشخیص و تا کید روی اصل ترین روندها و بکارگیری همه اشکال و امکانات دیگر، یک محور بسج کننده و رهبری کننده و احدا سازمان دهد. حال اگر این محور تحت هر نام و عنوانی شکل گیرد، این امر مساله ای ثانوی است.

هسته‌های مخفی همچنین می توانند با استفاده از فضا و روحیه همدردی و همبستگی در صنوف کارگران بویژه نسبت به کارگران اعتنا بی و با زده شدن، کمیته‌های همبستگی یا اعتنا بیون واحدهای دیگر را سازمان دهند. آنها می توانند کمیته‌ای برای انتقال و انتشار سریع اخبار مربوط خودشان سازمان دهند و به سبب با یکدیگر مرتبط گردند و زمینه را برای هما هنگی اعتنا با و یا سازماندهی اعتنا با رشته‌ای و منطقه‌ای فراهم سازند. در هر صورت امکان‌ات متنوعی برای رهبری جنبش صنفی وجود دارد.

اکنون در برابر پیشروان جنبش صنفی کارگری وظیفه‌ای خطیر تر و عاجل تر از سازماندهی هسته‌های صنفی و تلفیق آن با مبارزات علنی، برای غلبه بر پراکنندگی و با یان دادن به سیر خود بخودی مبارزات جاری وجود ندارد.

سؤال - نظر شما در مورد کارگران شوراهای اسلامی کارخانجات (خانه کارگر) چیست؟ آیا می توان این کارکنان را یک سازمان صنفی کارگرسری دانست؟ موضع کارگران پیشرو در قبال اینگونه تشکل‌ها چه باید باشد؟

جواب - خانه کارگر، کانونی است متشکل از دو بخش شوراهای انجمنهای اسلامی. بخش یا واحدهای آن واحدی است صنفی-دولتی و بخش انجمنهای آن واحدی است حزبی و به پیچیده خصلت صنفی ندارد. در مجموع این کارکنان نیز نفوذ حزب حاکم، حزب مهنی اسلامی است. از آنجمله بخش واحدها در این کانون به پیشتر سازمان انجمن‌هاست، در مجموع می توان این کارکنان را یک کانون صنفی - دولتی به حساب آورد. بخش انجمنهای اسلامی آن کاسلا ارتجاعی بوده و وظیفه عمده اش تفرقه افکنی در درون صنوف کارگران، شناسایی فعالین کارگری و همچنین اعتنا بکنی است. رهبری خانه کارگر علیرغم سهم قابل ملاحظه‌ای که با برخورداری از حمایت شوراهای کارگرسری در مبارزه علیه پیش نویس قانون کار توکلی داشت، با بیبای خیا نت رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب بتدریج به مواضع محافظه کارانه و راست وانه در غلطید. آخرین موضع گیری خانه کارگر "در قبال تصویب قانون شوراهای اسلامی کار" و بخصوص طرح با مصلاح واکذاری کارخانجات به کارگران، نمونه بارزی است از سازشکاری کامل مسئولین این کانون در مقابل توطئه‌های فریبکارانه رژیم علیه طبقه کارگر و دستاوردهای انقلاب، کردن نهادن بسه قانون ارتجاعی و فدا کردن شوراهای اسلامی کاسو دل خوش کردن و سرگرم کردن به چند چوچون آیین نامه اجرائی این قانون و همچنین صدور قطعنامه در تابد عوا مغربانه طرح با مصلاح واکذاری کارخانجات، نمونه‌های بارزی است از سیاست ارتجاعی خانه کارگر. در شرایطی که مبارزات "طرح واکذاری" را به عنوان یک عوا مغربانه تازه برای بازگرداندن بقیه در صفحه ۴

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف بقیه از صفحه ۳

واحدهای دولتی به سرمایه داران و منحرف کمردن مبارزات کارگری، محکوم کرده اند، مسئولین خانه کارگر در قلمنتها هم کذابی شان این طرح را بمشابه یک انقلاب نوین تبلیغ کردند.

البته با وجود داغی که علیه غم تسلط سیاست رتجائی بر خانه کارگر بویژه بر خط مٹی مسئولین خانه کارگر مرکزی، برخی از شعب و کارکنان شورای مرتبط با آن هنوز این ظرفیت را دارند که با تقویت پیوندهای خود با شورا های کارگری و کارگران، حساب خود را تا حدی از انجمنهای اسلامی و حزب جدا کنند و محری و دنباله روی صرف خانه کارگر مرکزی نیز نباشند. اما انجمنهای اسلامی، همانطور که قبلا نیز گفتیم، بمشابه ارگانهای فدکا کارگری، روز بروز بیشتر و بیشتر از جانب تسوده کارگران منزوی و مطرود می شوند. در برخی از واحدها، کارگران رسماً خواستار انحلال آنها شده اند.

واحد شورا های خانه کارگر در دوره بیشتر در برابر خود ندارد، با ادا مهر و نرسد سرپرستی نسبت به حزب جمهوری اسلامی، همنوایی و همکساری با انجمنهای اسلامی و تبدیل شدن به یک ارگان فدکا کارگری که در آن صورت عاقبتی جز عاقبت انجمنهای اسلامی نصیبش نخواهد بود. اما تنها مسئله شورا های کارگری و گام برداشتن در جهت استقلال نسبی خود از دولت و حزب جمهوری اسلامی، ما هنوز این مبارزه را تمام شده نمی دانیم. چه با رونق گسترش و اوج گیری مبارزات جاری کارگری، حتی به تصفیه رهبری کثونی بیجا متدو با اساسا موجب انحلال این کارتون شود. وظیفه کارگران مبارز در این شرایط، سازماندهی فشار از پایین و افشای سیاست ارتجائی حاکم بر آن و تصفیه و بگریختن مسرا ز شکار آن است، نه تحریم و انحلال آن.

سؤال - اخیرا از سوی نخست وزیر و نا محرمانه ای برای کلیه فرمانداران ارسال شده که همه موجب برای مقابله با اعتصابات کارگری فرماندهان و روسای پنج ارگان سپاه، کمیته ارتش، فرمانداری و نماینده ویژه وزارت کار باید بلافاصله کمیته مشترکی برای سرکوب اعتصاب تشکیل دهند. به نظر شما علت این اقدامات چیست؟

جواب: همانطور که قبلا گفتیم سیاست رژیم در برابر مطالبات کارگران در آغاز زمبستی بر روی اعتنایی بود. بعدها موزرانه تلاش کرد به بیجا به سختی بهر مطالبات ای را محکوم گذارد. اما بتدریج در یافت که مساله کارگران جدی تر از آن است که بتواند آنرا ایوانی کرد چون مطالبات سلامت آمیز بتدریج خصلت اعتراضی آشکار بخود گرفت و اعتصاب حربه کارگران گردید. رژیم در مقابل آن حربه عوام فریبی ای را بی اثر دید و به سرکوب گستاخانه و خشن اعتراضات کارگری متوسل شد. بنحوبت که اعتصاب با یک سال و نیم اخیر بویژه اعتصابات واحدهای بزرگ صنعتی بدون استثناء با مدا غلبه نیروهای مسلح و سرکوب رژیم مواجه شد. اما این اعتصابات علیه غم رژیم حربه و حشیانه رژیم جمهوری اسلامی به تنهایی فروکش نکرد، بلکه بطور فزاینده و چشمگیری گسترش یافت. رژیم خمینی اکنون

معدتهاست که به این نتیجه رسیده است که تنها سرکوب اعتصابات کافی نیست، بلکه با سیدبا ایجاد تقویر و شکاف در صفوف کارگران، شناسایی فعالین و رهبران، نفوذ در میان فعالین کارگری و منحرف کردن حرکت کارگران و پیا پیا داشت فعالین در مراحل مقدماتی اعتصاب، بزعم خود علاج واقع را قتل از وقوع بکنند.

بخشنا به محرمانه ای که از آن صحبت کردید دستور العملی است مبتنی بر آخرین جمع بندی ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب رژیم از شیوه ها و اشکال متنوع تر کنترل و سرکوب اعتصابات کارگری. بخشنا به محرمانه نخت وزیر و برخی از اعضای ستاد ستیما رژیم در برابر جنبش اوج گیرنده کارگری است. ببینید، ایین عجز و مردانگی نیست که پنج ارگان کنترل و سرکوب از فرمانداری و سپاه و کمیته گرفته تا ارتش تجهیزات و متحرک شوند تا اعتصاب یک کارخانه را درهم بشکنند؟ بگذریم از این که به چه نتیجه خفت باری می رسند. بخشنا به محرمانه فوق الذکر اعتصابات را به سه دسته اضطراری، مهم و عادی تقسیم بندی کرده است و برای مبارز و سرکوب آن به ما موریین خود توصیه کرده است که در لباس میدل در میان جمعیت اعتصاب بگران حرکت کنند، جهت خواستها و شعارها را منفرضا سازند، در بین جمعیت، رهبران را شناسایی کنند تا به موقع آنها را در بیرون از محیط کار خانه و دور از چشم توده کارگران به صورت فردی و پنهانی بازداشت نمایند. رژیم خمینی فکری کند که با یک "گروهک" معترض و بیروست که با فرستادن چند نفر از مصلح نفوذی در میان آنها بزعم خود باطله شدن را ختم کند. در تقییب همین فکر توطئه گرانده است که می گویند میان کارگران زندانی با شکنجه و ارباب، عده ای ثواب دست چین و تربیت کنند و آنها را آزاد کرده بر سر کار آورده و در میان کارگران بفرستند. علاوه بر آن مدت ها است که مساله آموزش شیوه های اعتصاب شنکی و نفوذ در صفوف فعالین کارگری بمنوا یکی از اشکال مهم مواجهه رژیم با حرکات اعتراضی کارگری در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. سپاه با ساداران از مدت ها قبل برای فعالین انجمنهای اسلامی و اعضای با مصلح بسیج کارگری سپاه در مناطق مختلف کارگری تهران کلاسهای ویژه ای داده است که در آن ما موریین اطلاعاتی سپاه و عناصر و اکی با زمانه از آن زمان کارگران ایران (وابسته به حزب رستا خیز) به این افراد آموزشهای ویژه ای در مورد نحوه شناسایی کارگران مبارز و روشنگاری مخفی کارگران و چگونگی مقابله با اعتصاب کارگری را می دهند. این مشایبه همان الگویی است که ساواک در زمان شاه (بخصوص در سالهای دهه ۵۰) از طریق ارگانهای با مصلح کارگری حزب رستا خیز و مشخصا توسط سازمان کارگران ایران، پیش می برد. همچنین در وزارت صنایع، وزارت کار، و احدا کارگری سپاه با ساداران و وزارت اطلاعات بخشهایی مشخصا برای شناسایی، پروتکته سازی و مقابله با کارگران پیشرو و در هم کوبیدن اعتصابات کارگری وجود دارد. سپاه با ساداران اکنون نامهای متعددی برای مدیران واحدهای مختلف تهران و قزوین و جاهه ساوه فرستاده است که در آن از مدیران می خواهد سامی کارگران را محبوب و مورد احترام توده کارگران را بدهند و حرکات آنها را نیز زیر نظر داشته باشند.

وزارت کار رگلاهی در کار رگزیتهای برخی از ارکان مجلس شورای اسلامی ارایه شده است که ابعاد شکتنده نتایج مخرب سیاستهای فدملی و ضد مردمی سردمداران خائن رژیم را به روشنی با زکومی سازد. برابری ارقام و واردات کتندم ۴۰۰ هزار تن در سال ۵۸، ۵۸۰، ۳۸۱۵۰ هزار تن در سال ۶۲، برنج ۲۷۱ هزار تن در سال ۵۸ به ۷۵۰ هزار تن در سال و روغن ۴۰۰ هزار تن به ۴۰۰ هزار تن رسیده است و گوشت ۲۴۰ هزار تن و علوفه به ۲/۳۰۰ هزار تن افزایش یافته است. (کیان ۱۲ مرداد ۶۳) غالب آن است که بهزاد دنیوی از کسائی در حکومت که مدعی رساندن کتاروزی ایران به جای یگزینی ما در ات نفت هستند صحبت می کند می گوید: برنا بهریزی و پیش بینی های انجام شده توسط وزارت کتاروزی نشان می دهد که در دوره ما ۵ ساله اول، قدر او هم بود از نظر محصولاتی اساسی کتاروزی به خود کتافی ببریم؟ و اما آنچه آقای وزیر صنایع سنگین بعنوان برنا بهریزی دولت برای دستیابی به "صنایع پیشرفته" که گویا باید قدری "تا مین استقلال کشور" و "قطر وابستگی به اقتصاد تک پایه و صدور مجرود نفت" باشد، اظهار داشته است نیز چیزی جز ادا به و تشدید سیاستهای مخرب سالهای گذشته و غرق شدن در وابستگی نیست. او در صحبت از چنین برنا بهریزی می گوید: بحث برنا بهریزی (۶۰) از سال ۶۰ شروع شده و هنوز به نتیجه نرسیده ولی خوشبختانه روی فرود آن توجه شده. البته در حکومت حامسی کلان سرمایه داران و بزرگان، سرمایه داری خود بخود راه خود را میسر است. اقتصاد عمیقاً وابسته کشوری کتاید. چنانچه آقای وزیر از کسائی حرف می زند که می گویند "خدا بزرگ که بخواد نعمت می دهد و اگر شما آدمهای خوب و با تقوایی با شید

کارخانجات تشکیل داده که در آنها افرادی را در زمینه شناسایی فعالین کارگری و چگونگی سرکوب اعتراضات کارگران آموزش دهند. در بسیاری از واحدها این نامهای انضباطی جدیدی را که ناظر بر هر چه پلیسی ترکردن مقررات آنها و در واقع تسهیل یک رشته ضوابط سر باز زدنهای در واحدها است، تنظیم کرده اند. در برخی از واحدهای بزرگ صنعتی، برای کنترل کارگران، گشتی به نام "گشت انتظامات" بوجود آورده اند. در بسیاری از واحدها، مکالمات تلفنی کارگران با خارج از کارخانه را، با همدستی انجمنهای اسلامی مخابرات استراق سمع می کنند. علاوه بر همه اینها، اخیرا وزارت کار به کمک برخی مدیران، اقدام به تهیه "لیست های سپاه" از اسامی کارگران مبارز خارجی نمود تا به مراکز کارریایی و کارگزیتهای فرستاده شود تا مانع استخدام آنها در کارخانجات دیگر شوند.

بخشنا به نخست وزیر از جمله تازه ترین و آخرین تشیبات رژیم جمهوری اسلامی مبارز و سرکوب جنبش اوج گیرنده طبقه کارگران است. اینهمه بخشنا به دستور العمل سری و محرمانه، اینهمه ارگان سازی و جاسوس پروری برای چیست؟ روشن است، اعتصابات گسترده کارگری در مدتها و احدا کوچک و بزرگ سرکوشور، اعتصاب چندین هزار کارگر کت و صنعت های مغان و کارون ۴۵۰۰ کارگر کتار کت نادار اداری ۴۰۰۰ کارگر خانبات، ۱۵ هزار کارگر ذوب آهن و دهها هزار کارگر دیگر واحدها، در فاصله یک سال و نیم اخیر، بعد از اعتصاب نفتگران جنوب در سال ۱۳۲۵، اعتصابات نیمه دوم سال ۵۷، در تاریخ جنبش کارگری ایران بی سابقه است. این اعتصابات بی دردی در واحدها ورشته های مختلف، بویژه اعتصاب عظیم ذوب آهن، رژیم را درمانده و متامل کرده است.

رژیم خمینی هتتوز از ضربات هول انگیز اعتصاب ۱۵ هزار نفری ذوب آهن کمر راست نکرده است. اینک جمهوری اسلامی حاضر نمی شود در قانون شورا های اسلامی اش تشکیل شورا در واحدهای بزرگ دولتی و صنایع کلیدی مثل نفت و ذوب آهن را به رسمیت بشناسد به دلایل هراس از تشکل کارگران پیشروی صنایع بزرگ است. وقتی ۱۵ هزار کارگر بیون تشکیلات اینچنین عرصه را بر او تنگ می کنند، چگونه می توان بدنه ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن و ۴۵ هزار کارگر نفت و هزاران کارگر دیگر در واحدهای بزرگ و حاس حق تشکل بدهد؟ رژیم و این خوف و هراس را با هیچ شعبه و تهدیدی نمی تواند نادچار کند. نه با ممنوعیت حق تشکل کارگران، نه با اخراج سازمان دهندگان از اعتصابات، نه با بخشنامه های محرمانه نخست وزیر، نه با سازماندهی ارگانهای سرکوب و رگلاهی تربیت جاسوس و اعتصاب شکن، نه با "گشت انتظامات" در واحدها و کنترل تلفن کارخانجات، نه با پیرونده سازی های وزارت اطلاعات و نه با بازداشت، شکنجه و عدا م رهبران جنبش کارگری. وظیفه همه نیروهای انقلابی و پیشرو، بویژه کارگران مبارز و آگاه است که این استنادیات رژیم را نیز در مقیاس هر چه وسیع تر برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان افشاء کنند و انرا بمشابه سند و شکستگی رژیم خمینی و درماندگی در برابر جنبش نیرومندی کارگرمی رسوا سازند.

نعمت از زمین و آسمان به سران می بار و بر نامم زری می مفهومی دارد؟! با این وصف معلوم نیست که چگونه نبوی ادعا می کند که "طی دورن ما ۵ ساله اول ما با بیدموقی شویم که بتدریج وابستگی خود را به نفت گاه می دهیم و تولیدات صنعتی جا یگزین نفت در زمینه ما در ات شوند". نبوی در مرکز برنا بهریزی از خرید کتکنولوژی غرب در قبال فروش نفت صحبت می کند و برای اینکه خود را واقع بین نشان دهد، درباره لابی و کتافهای بیینی برانجام بشیبه ترین کارهای فنی بدون کمک کارشناسان خارجی اظهار می دارد "ما از این ما حبه ها در ایدیم- تلوویزیون زیا دمی بینیم که ما بدون کمک کتفی یک نفر خارجی صنعت خود را فلان می کنیم. دروغ است!" اما او می گوید آنچه از خرید کتکنولوژی غرب در نظر دارد هیچگاه گامی فراتر از آن اقتصاد وابسته ای نخواهد بود که نمونه ای چون طرف اقتصاد ما مورد علاقه آقای نبوی "ترکیبه" ببدان دست یافته است. او خود اذعان دارد که "فروش دانش فنی کامیون، بیخال، بولدوزر، واگون و از این قبیل کالاها، الان دیگر ارزش برای کشورهای دارنده آن ندارد". و امیرا لیستها در اختیار کشورهای زیر سلطه شان می گذارد. با این حال، این تمام برنا بهریزی است که آقای وزیر بعنوان برنا بهریزی دولت جمهوری اسلامی برای پایه ریزی در قمتا صنعتی مستقل و پوها شدن از وابستگی به ما در ات نفت ارایه می دهد. در حقیقت این برنا بهریزی و تلاشهای اقتصادی انجام یافته در سالهای اخیر نشان می دهد که چگونه رژیم جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب در راه سرمایه داری وابسته و احمای کامل مواضع انحصارات خارجی پیش می رود.

"مرغ ما هم مونتاز است!" بقیه از صفحه اول و وابستگی بی سابقه ای به امیرا لیسم کتاشنده است. نگاهی به آمارهای موجود، بدون هرگونه تفسیری خودگویی روندا قمتا دکتور، طی این سالها است. واردات ایران به گفته ها شمسی رفسنجانی (در نماز جمعه ۱۶ شهریور ۶۳) به رقم ۲۴ میلیارد دلار رسیده است که ۹۰٪ آن از کتارهای امیرا لیستی ویا در پیوند با امیرا لیستها است که آلمان، ژاپن، ترکیه و انگلیس به ترتیب در صدر آن هستند. ما در ات کت چیزی را هم طی این مدت به حد اقل خود در سال ۶۲ به میزان قریب یک ششم (۵۶٪) رسیده است که آقای بهزاد نبوی در برابر معترضین شنهای می گوید این ما در ات مقامی در اقتصاد ایران نمی توانست داشته باشد. مقایسه ای بین ترکیب کتالاهای وارداتی در سالهای ۵۶ و ۶۱ از روی آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد که طی این مدت در صد کتالاهای سرمایه ای در کل از ۲۷/۵٪ به ۱۹/۵٪ کاهش یافته است. و در برابر در صد کتالاهای مصرفی وارد شده ۱۸/۴٪ به ۲۲/۶٪ و نیز مواد اولیه و کتالاهای واسطه ای ۵۴/۱٪ به ۵۷/۷٪ افزایش یافته است. مهم آنکه از کتالاهای سرمایه ای وارد شده سهم صنعت نسبت به بخشهای کتاروزی و خدمات بیشترین کاهش را داشته و ۷/۶٪ به ۱۰٪ رسیده است. این موضوع نه فقط به معنای سرمایه گذاری کمتر در صنایع اساسی، بلکه بمعنای عدم تعویض و تا مین کتالاهای مستهلک شده نیز هست. کتکه دیگر آنکه در واردات مواد اولیه و کتالاهای واسطه ای بیشتر از افزایش مربوط به سهم کتاروزی است که از ۱/۸٪ به دو برابر افزایش یافته است. در

تلاشهای مذبوحانه سلطنت طلبان

اخیرا شاه پرستان فراری، در ایالات مختلف آمریکا و در کشورهای اروپایی برای سرهم بندی "شوراهای مشروطه سلطنتی" در این کشورها تقصلا می کنند. آنها تلاش دارند پس از تشکیل شورا هائی مشورتی سلطنتی در کشورهای امپریالیستی "شورای عالی مشورتی" و از مجموع آنها با مصلحت "شورای مشروطه سلطنتی" تشکیل دهند و هیا ت اجرا بی آن را بعنوان ارگان مشورتی پسر شاه منصوب بگزینند. نیم پهلوی و امینی آمریکا بی که مجری اصلی این طرح هستند، هدف این "شوراهای سیاسی خسته" را تا مین مشارکت عامه ایرانیان در "نجات وطن" و برقراری "نظام مشروطه سلطنتی" حاسمی زنند. سرهم بندی "شوراهای مشروطه سلطنتی" توسط جریان شاه پرست با مصلحت "جبهه نجات ایران" به رهبری علی امینی شاهزاده قاجار و سیاست باز دست پرورده امپریالیسم انجام می گیرد. علی امینی عنصر سرسپرده موردا عمدا آمریکا، در آغاز دهه ۴۰ نخست وزیر شاه خائن بودوی از سوی کنسولی ما موریت یافته بود که اصلاحاتی را که به وسیله امپریالیسم آمریکا طراحی شده بود بعدا شاه اجری آن را بعهده گرفت و نام "انقلاب سفید" بر آن نهاد در ایران انجام دهد. اکنون او به همراه شاهین فاطمی دبیر این جبهه ضد انقلابی و داریوش همایون وزیر اطلاعات شاه خائن دستورات تازه و آشکنگن را در چارچوب "جبهه نجات ایران" به اجرا می گذارد و از حمایت کامل امپریالیسم برخوردارند. بنا برینستد انتشار یافته در "کیهان لندن" (۱۳/۱۰/۶۳)، آمریکا تاکنون یک میلیون رددالدر "جبهه نجات بخش ایران و جنبش آزاد ایران" سرمایه گذاری کرده است. اختصاص چنین مبلغ هنگفتی از طرف آمریکا برای تقویت فدا انقلابیون سلطنت طلب به تنهایی کافی است تا انقلابیون ایران خطر او که امپریالیسم توسط این دسته های سیا و متوجه کشوری کندهایش از پیش مورد توجه قرار دهند. تشدید تلاشهای شاه پرستان برای تجدید سازمان نیروهای خود در دوره اخیر تمام دنی نیست.

موج اعتراض و اعتصاب مردم علیه جنگ و علیه رژیم، بویژه از سال ۶۳ به این طرف دایما گسترش یافته و هر روز آشکار تر و توده ای ترمی شود. مردم که عمیقاً از رژیم جمهوری اسلامی متشرفند و موقعیت مناسبی که بدست می آورند خشم و اعتراض خود را علنا ابراز می کنند. از آغاز سال ۶۳ تاکنون چندین تظاهرات توده ای و صدها اعتصاب بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف کشور علیه رژیم و سیاستهای آن بر پا شده است. هر روز هم که می گذرد این اعتراضها و اعتصابات با زهم گسترش می یابند. اعتراض و مبارزه توده ها اختلافات و تضادهای میان دسته بندیهای مختلف درون حکومت را که بر پایه منافع شخصی و گروهی قرار دارد مدام تشدید می کنند. مجموعه این عوامل باعث شده است که رژیم جمهوری اسلامی هر روز ضعیف تر و متزلزل تر شود. سلطنت طلبان که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و به خیال خود برقراری مجدد رژیم ارتجاعی سلطنتی هستند، از بحران گسترش یافته رژیم حاکم بسیار رشاد و خرسندند و به خود نوبدهای می دهند.

آنچه امپریالیسم در ایران همه امپریالیسم آمریکا می خواهد بر است که مواضع گذشته خود را تمام و تمام در کشور ما احیا کند و گنگندار دیکتاتور دیگر متصرفات بر سر ما برقرار کند. چرا که انقلاب، ایران را از کنترل آمریکا و دیگر امپریالیستها خارج کرد و ضربات کاری بسه موقعیت آنان در منطقه زد. بهمین دلیل تمام نیروی آمریکا از بعد از انقلاب متوجه آن بوده است که اثرات انقلاب را ناسود ساز و دوا بران راپسه موقعیت سابق باز گرداند. طی سالهای اخیر امپریالیسم به "تحولات مثبت درونی" جمهوری اسلامی و تا کید بر این "تحولات" برای تطبیق کامل رژیم حاکم بر مواضع خود صدام افزایش یافت. اما اگرچه امپریالیسم در برابر جمهوری اسلامی بطور عمده سیاست شلاق و شیرینی را با هدف سوق دادن جمهوری اسلامی به سوی رژیم مطلوب خود در پیش گرفت، در عین حال شوق دیگر او از جمله تلاش برای جانشین کردن نیروهای مطلوب تر خود را هرگز رها نکرده است.

مطلوب ترین نیروها برای امپریالیسم شاه پرستان بوده و هستند و مطلوب ترین آلترنا تیبو آمریکا نیز سلطنت طلبان آنان است.

تلاش برای تیز کردن شمشیر زنگ زده سلطنت طلبان علیه مردم ایران و مها را اختلافات درونی آنها را با بدتر مجموعه نقشه های آمریکا مورد توجه قسرا داد. خطر سلطنت طلبان نیز بیشتر از اینچنان ناشی می شود.

آمریکا دهها کانال تلویزیونی و فرستنده و رادیویی تنها در آمریکا در اختیار آن قرار داده است. آمریکا فاشیستهای آریا میزبان را از همسان زمان پس از انقلاب در ایالات متحده آمریکا و ترکیه

گرد آورد، مصلح کرد و تا ماهه نگه داشت، علاوه بر آن آمریکا تلاش کرد تا آن را متحد کند، چرا که فربه انقلاب علیه این ارتجاع مغلوب و سایر نهادهای سیاسی آنجنان نیرو مند بود که در مها جرت نیز آنان را به دستجات مختلف یکدیگر متهم می کردند، تبدیل کرد. این دستجات از جنبشهای امینی گرفته تا فاشیستهای باندا آریا تا همجون گرگ های گرسنه به جان افتادند. تنها در آمریکا ۲۵ دسته سلطنت بوجود آمدند، که اکنون هم وجود دارند. اما تلاش این دسته های ضد انقلابی برای درست کردن یک "جبهه متحد و مطلوب آمریکا" هرگز قطع نشد، و بخصوص با رشد بحران رژیم و در شرایط جاری این تلاشها شدت هر چه بیشتر یافته است. شکل گیری "اتحاد ملت" نیم پهلوی، بختیار، امینی در تیر ۶۲ و تلاش تازه شاه پرستان در سرهم بندی شوراهای سلطنتی بهمین منظور انجام گرفته است. قابل توجه است که سلطنت خواهان اگرچه از رشد بحران رژیم خرسند هستند، و به تکاپوی بیشتری افتاده اند، اما در عین حال هر روز نگرانی و هراس آنها از اینکه نیروهای ترقیخواه به حیات این رژیم نقطه پایان بگذارند، افزایش می یابد. در ایران سال پیش امینی آمریکا بی با صراحت گفت که با بهمین امروز شاه پرستان متحد شوند و عمل کنند و گرنه فردا بسیار برخواهد بود. شاه پرستان را نسبت به قدرت گرفتن نیروهای چپ همدارند و دوگفست اگر از درون بحران کنونی قدرت انقلابی سر بر آورد فاجعه خواهد بود. او در پیام ۱۴ فروردین نیز با همان وحشت تکرار کرد که با رژیم مبارزه کنید اما: "در این راه بر عصاب خود مسلط باشید و از اعمال شتابزده پرهیز کنید. چه چیزی را می خواهید؟ جانشین آن (رژیم) کنیم تا خدای نکرده از جاله در دنیا مد به جا همیسان کنیم". او گفت نگذارید "خدای ناکرده ما اجرا کنیم" در دیگر زوخت مردم سو استفاده کنند و به فرمای هی گرفتار ز آب گسل آلودیبا فتنند.

نیم پهلوی نیز در پیام ۱۲ فروردین همیمن حرف امینی را تکرار کرد: "در این لفظه های حساب شما با ید هوشیار باشید که دشمنان دیگر از فرصت استفاده نکنند". و بالاخره با شوربختی رکه مردم ایران به درستی او را تکیه اختیار امپریالیسم می شناسند، صریحا اعلام کرد که خمینی جلاد را بر نیروهای انقلابی ترجیح می دهد. این نگرانی ها و وحشت های دیگری برای تشدید فعالیت اخیر شاه پرستان، با حمایت و هدایت امپریالیسم آمریکا است.

سلطنت طلبان که مجری سیاست آمریکا هستند، با جمهوری اسلامی دشمن هستند. بنی از انقلاب کابخا نه ها و اموال بسیاری از مهره های رژیم سلطنت طلب صادره شده و آنها رژیم ارتجاعی خمینی را مقصر می دانند. امروزه حکام جدید خود بر سر شرتهای ملت ما چنگ انداخته اند و تلاشهای سلطنت طلب همه امتیازهای را که به آنان فرصت چپا لوگام گسیخته ملت را می داد، از دست داده اند. علاوه بر آن شاه پرستان ولایت فقیه را سدره رشدت با ن سرمایه بداری وابسته و سرمایه های وابسته خود می دانند. آنها ارتجاعی ترین جریان سیاسی و اجتماعی کشورند و از موضع ارتجاعی بسا رژیم سرایا منطبق خمینی می ستیزند. این دستجات برای دستیابی به موقعیت پیشین خود و اعمال دیکتاتوری خشن به هر خیان و ترذالتی تن می دهند، آنها به کمک امپریالیسم از امکانات وسیع اقتصادی و تبلیغاتی برخوردارند و در نهادهای مختلف حکومتی نیز عت مرتزقی را در خدمت دارند.

سلطنت طلبان بویژه از جناحیات و فجاج و ویرانی جمهوری اسلامی برای پوئان شدن چهره واقعی خود و فریب دادن مردم حدا کثر بهره برداری می کنند. آنها می کوشند تا جناحیات رژیم گذشته را در پشت پرده خونی که رژیم خمینی در برابر چشمان مردم کشیده است پنهان کنند و با مصلح خود را با "منیت" و "قانون" وانمود سازند. آنها در برابر رژیم جنایتکار خمینی، رژیم پادشاهی با مصلح و مشروطه و در برابر قانون اساسی خمینی، قانون اساسی مشروطه را بعنوان پرچم رهای مردم جا می زنند. هر چه مردم ایران آنچه را که آنها وعده می دهند، یک بار با تمام وجود لیس کرده اند و به همین دلیل با قیام مسلحانه آن را به گور سپرده اند اما وظیفه انقلابی حکم می کند چهره عوام فریب آنان بیشتر از گذشته افشاء شود.

مبارزه با سلطنت طلبان در هر رنگ و لبا سی که هستند با یدیه موازات تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی شدت یابد. مبارزه با آنان مستقیما مبارزه با امپریالیسم است. باید اهداف سیاست و اقدامات آنان را قاطعانه افشا کرد. چهره های رهبران آنها و تقلای تازه آنان را بر ملا خت وظیفه هر عنصر انقلابی در داخل و خارج کشور است که اهداف ارتجاعی شاه پرستان را با مردم در میان گذارد و مردم را برای مقابله با خطر آنان بیدار کند. فدا ییمن خلق ایران همانگونه که در به گور سپردن رژیم سلطنتی نقش خود را به درستی ایفا کردند، در خنثی کردن هرگونه توطئه تازه شاه پرستان نیز یک لحظه درنگ نخواهند کرد.

سرفهشت قانون اراضی شهری

اخیرا اجراء حکومت آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری همراه با "املاحتی" که هیات وزیران در آن وارد کرده است را انتشار دادند. املاحتی که دولت ارتجاع در آیین نامه وارد کرده در واقع املاحتی نیست، بلکه تغییر اهداف اساسی قانون اراضی شهری با هدف تا مین کامل منافع کلان سرمایه داران است.

هدف قانون اراضی شهری، که در نتیجه فشا رشدید توده های به رژیم تحمیل شد، جلوگیری از انحصار زمینهای شهری و بسورس برای روی آن بوده است. بهمین دلیل قانون اراضی موات را در مالکیت دولت قرار می دهد و اراضی با ارزش شهری را در مالکیت مالک، اما هرگونه معامله و فعالیت ساختمانی بر اراضی با برات توسط مالکان ممنوع می کند و به دولت و شهرداری ها اجازه می دهد در صورت نیاز زمینگونه زمینها را خریداری کنند و از مالکان نیز مالیات اضافی اخذ کنند. علاوه بر آن قانون اراضی شهری استنادی را در اراضی با مالکیت کافی نمی شناسد و تشخیص این امر را بعهده "کمیسیون تشخیص می گذارد. این قانون گامی در جهت تبدیل بحران مسکن بود. قانون فوق زمانی به صورت لایحه به مجلس اول پیشنها شد که قانون ملی کردن اراضی موات و سایر شهری موصوف "شورای انقلاب" از طرف شورای نگهبان مرتجع ملغی شد.

این لایحه ابتدا در مجلس اول به تصویب رسید. بعدا در مرداد ۶۰ از طرف شورای نگهبان رد شد. اما در اثر اعتراضات گسترده بر رویه شورای نگهبان، نگهبانان ارتجاع ناچار شدند این قانون را تأخیر کنند. اما وقتی قانون اراضی شهری و آیین نامه اجرایی آن تصویب شد، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان اراضی شهری تلاش کردند تا در قانون اجرا شود.

مطابق گزارش نخست وزیر (یکم اسفند ۶۳)، دولت به بخش خصوصی اجازه داده است که در سال ۶۱ حدود ۱۰۳۰۰۰ و در سال ۶۲ حدود ۲۰۵۰۰۰ واحد مسکونی بسازد. میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در این زمینه در سال ۶۱، ۴۳۰ میلیون ریال و در سال ۶۲، ۸۳۰ میلیون ریال بوده است. مطابق گزارش سرمایه گذاری این بخش در ۴ ماهه اول سال ۶۳، ۲۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. در این گزارش یک کلمه هم دربارۀ ساز دولت و وظایف آن مطابق اصل ۳۱ قانون اساسی موصوف خود آقایان هم به میان نیامده است. این گزارش انعکاس کامل سیاست دولت در امر مسکن است. "املاحتی" هم که دولت در آیین نامه اجرایی وارد کرده است، حل تناقض قانون با سیاست جاری رژیم، یعنی اجرای کامل سیاست مطلوب کلان سرمایه داران است.

مطابق ماده ۶۷ آیین نامه با مصلح اصلاح شده به سازندگان واحدهای مسکونی برای فروش یا اجاره زمین و اکتداری شود. به شرکتی ساختنسی و بسا زوب فروش آنها که سرمایه آنها اجازه می دهد. زمین واگذا رمی شود تا به سازندوبه قیمت سرمایه آور بفروشد یا بر تعداد خانه های اجاره ای خود بیافزاید.

بند ۲ ماده به هر بسا زوب فروش اجاز می دهد که در هر بار به اندازه ۱۰ واحد مسکونی زمین در اختیار بگیرد. مطابق بند ۳ کلان سرمایه داران اجازه می یابند بسا شرکتی ساختنسی و بسا زوب فروش آنها که سرمایه آنها اجازه می دهد. زمین واگذا رمی شود تا به سازندوبه قیمت سرمایه آور بفروشد یا بر تعداد خانه های اجاره ای خود بیافزاید.

در عین حال دولت برای خالی نبودن عریضه و فریب زحمتکاران ماده ۷۶ را نیز به آنها اختصاص داده است. مطابق این ماده کسانی که بول پرداخت زمین را ندادند، به بیع و خفا و دارا ت و هفت خون کلان سرمایه داران واگذا ر شده اند. امروزه میلیونها تن از مردم فاقد مسکن هستند آنها یا در خانه های اجاره ای زندگی می کنند که با بت اجازه بیش از ۵۰ درصد درآمد ماهانه خود را به حساب مالکان می ریزند یا در خانه های شریفه و در حیطی با دها کبرها و از غمه روزگسار می گذرانند. میلیونها قانوار بوستایی شریفه فاقد مسکن با حداقل امکانات هستند. علاوه بر آن هرسال حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می شود و حدود یک میلیون نفر نیز از روستا های شهری که حاشیه شهرها و حیطی با دها می شوند، در جمهوری اسلامی بحران مسکن هر روز در تور برای زحمتکاران دردها وتر می شود. این رژیم هیچ قدمی در راه حل این مشکل اجتماعی بر نمی دارد. حل مساله خاد مسکن نیز مثل دهها مساله اساسی دیگر در گرو عزم و وزم بیامان مردم علیه غارتگران و مستزکان حاکم است.

تلفیق کار مخفی و علنی

و ضرورت کار سازمانگرا در میان توده‌ها

در شرایط کنونی کار مخفی رکن اصلی مبارزه انقلابی است و سازمان مخفی متشکل از انقلابیون با تجربه‌ی دیندار و غیردولتی‌گرا، آگاه‌های سیاسی توده‌ها و متشکل کردن آنها نقش حیاتی دارد. باید در نظر داشت که هدف از ایجاد شیوه کار مخفی حفظ حیات سازمان به منظور تداوم کار انقلابی و فعالیت در میان توده‌هاست. اساساً به‌تکلیف نیروی لایزال زحمتکشان و کمک و پشتیبانی آنان در حفظ فعالین انقلابی است که می‌توان ادامه‌گزارای سازمان انقلابیون را تضمین نمود.

محتوی کار مخفی هماهنگی و تلفیق فعالیت تبلیغی، ترویجی، بسیجی و سازماندهی مردم است. خلعت کار مخفی بمناسبت شیوه و شکل مبارزه انقلابیون "در این نیست که گروه کوچک افراد را از دشمن مخفی نماید، بلکه این خلعت در اجرای پیگیری کار توده‌ها و دوراختیار داشتن سیل کمکهای مداوم از جانب توده‌ها که در رابطه فشرده سازمان مخفی هستند، تبلور می‌یابد. یک حزب مخفی قوی، حزبی است که عمیقاً در توده‌ها ریشه داشته باشد و بوسیله تعداد زیادی از هواداران (همپایانها) و فعالین انقلابی غیرحزبی احاطه شده باشد." (رهنمودهای کمیته‌نشین در باره تلفیق کار مخفی و علنی) در مواردی دیده شد که برخی از رفقا و واحدهای سازمانی این آموزش را بطور همه‌جانبه بکار نمی‌بردند و در حالی که امر آگاه‌ها را از بسیج‌سوا زنده‌ی توده‌ها را از طریق بخش ارگان کمیته مرکزی و دیگر نشریات سازمان و نوشتن شعار در مکانهای مناسب پیش می‌بردند یا زمانه‌ها را از دست می‌دادند. مبارزات توده‌ها و رهبری مستقیم حرکات و اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان در محیط کار و زندگی خود نیز به بهره‌گیری از امکانات علنی و قانونی برای گسترش مبارزه توده‌ها برای لازم راضی شدند.

در شعارهای قبلی شریه‌گرایی درستی برنقش و اهمیت بخش نشریات سازمان تأکید شده است. "توزیع شینما، بخش تراکت به صورت وسیع، شعاری نویسی روی دیوارها - در محل‌های تردد و محیط‌های کار - تاکتیک بخش غیرمستقیم نشریه‌ها، رودیگرنشریات سازمان (در خانه‌ها، محلات، محیط‌های کار و اجتماعات)، بعنوان مؤثرترین شکل فعالیت تبلیغی با بهره‌گیری از بکار گرفته شدن از طریق بکارگرفتن این تاکتیک‌ها و پیگیری مارتیلیج سیاسی در سطح جامعه، مای توانیم پرچم سازمان را بلند و بلندتر برافرازیم و زمینه را برای کار توده‌های هر چه وسیع‌تر و تروا تروا مین پیوند ضروری مبارزات توده‌ها فراهم سازیم" (نشریه کارگزاران، آگوست ۴). اکنون که مبارزات مردم گسترش بیشتری یافته و به اشکال مختلف از جمله اعتراضات و نظرات مردمی آید "توزیع شینما، بخش تراکت به صورت وسیع، شعاری نویسی روی دیوارها" بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. در این میان بویژه باید بر بخش هر چه وسیع‌تر ارگان کمیته مرکزی سازمان تأکید کرد که نقش مرکزی را در آگاه‌سازی و بسیج توده‌ها ایفا می‌کند.

همینگونه باید بر اهمیت حیاتی کار سازمانگرا در مستقیم در میان توده‌ها تأکید کرد. سازماندهی و هدایت مستقیم حرکات و اعتراضات مردم موجب می‌شود که هم بین سازمان و مردم پیوند مستقیم و عمیق بوجود آید و هم مبارزه مردم در راه مبارزه مستقیم و متشکل ضروری گردد و در نتیجه ارگان کمیته مرکزی سازمان فعالیت برای ارتقا و حرکات توده‌ها و تقویت جنبه سیاسی آن بسیار افزایش می‌یابد.

چه بسا ممکن است تحت تاثیر جو تروورا و خنثی برای برخی از فعالین انقلابی ضرورت، اهمیت اصولیت کار و پر حوصله و دراز مدت در شکل‌های مختلفی بوجود آمده‌اند. در این میان عوامل رژیم قرار گرفته اند زیرا علامت سؤال برود. موکداً باید گفت شرکت در این نوع شکل‌ها نه تنها مفید برای اصول انقلابی نیست بلکه در شرایط تروورا و خنثی نیز برای انقلابیون ضروری حیاتی است که از هر گامی برای پیوند تنگ با توده‌های مردم استفاده نکنند و با جدا کردن توده‌ها از سازمان توده‌ها بپردازند. اینجور می‌توان گفت که دشمنان ما به نیتک متوسل خواهند شد تا کمونیست‌ها را به تاحدیه راه ندهند و بهر وسیله شده آنها را از انجا برانند و کار در داخل اتحادیه‌ها را برای آسان حتی الامکان نامطوب تر سازند و توده‌ها را تحت نام پیوند پر دشمن تحریک کنند و مردم را متقاعد قرار دهند. باید خواست در مقابل این اعمال مقاومت ورزیده و به همه و هرگونه فداکاری‌ها در دواحتی در صورت لزوم بهرگونه حیل و نیرنگ و شیوه‌های غیر علنی و بیگوت و کمترین حقیقت متوسل شد تا هر طور شده به تاحدیه راه یافت و در آنها باقی ماند. وجهی تمیزی شده فعالیت کمونیستی خود را انجام داد" (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم)

با بدیهات و تفاوت کار مخفی و کار علنی و محدود و عملگردها تاحدیه توده‌ها است. توده‌های میلیونی مردم نمی‌توانند در کار مخفی شرکت کنند. اما اقدام علنی می‌تواند با شرکت خود توده‌ها صورت گیرد و افکار وسیعی را در برگیرد و به سازمان نیایی آنها کمک کند. در شرایط امروز بخش نشریه، اعلامیه و تراکت و شعاری نویسی عمدتاً به دست انقلابیون پیشرو صورت می‌گیرد و در واقع کار سازمانی در یک کارخانه تراکتی در مورد اضافه دستمزد یا برگرداندن کارگران اجرائی و یا حمایت از اعتصاب کارگران پخش می‌کنند و ضرورت و مکان کسب مطالباتشان را اثبات می‌کنند، هنوز این توده کارگرنیست که را برای افزایش دستمزد و برگرداندن همکاران خود اقدام کرده است ولی تا زمانی که کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد و اخراج همکاران به اعتراض بر می‌خیزند و به اقدامات گوناگون از جمله اعتصاب دست می‌زنند دیگر این اقدامات نمی‌تواند مخفی باشد و این خود کارگران هستند که از مرحله زروخواست قدم در راه مبارزه عملی مشخص گذاشته اند و به اقدام علنی و آشکار دست زده‌اند.

بنابراین، رهنمود بنیادین اصل اساسی در فعالیت انقلابی در شرایط سرکوب و خفقان پلیسی پیوند ما به ارگان کار مخفی و علنی است. این امر شرط سازمان انقلابی که دارای پیوندهای خدشه‌ناپذیر با توده‌های مردم می‌باشد است می‌گردد. سازمان انقلابی تنها در بر توفیق کار مخفی و علنی قادر خواهد بود که وظایف خود را انجام و از لایزال بودن نجات جنتا ببرد. بنابراین می‌گوید: "اگر بی‌شوک‌ها به کمک بیگاری بسیار دشوار روی لزوم در آمیختن اشکال علنی مبارزه با اشکال غیر علنی و لزوم شرکت در تجاریه‌ترین تریبون پارلمان و در یک سلسله سازمانهای دیگر که قوانین ارتجایی بر آن حاکم بود، بافتاری نمی‌کردند، نمی‌توانستند، هسته‌ها را بر حزب انقلابی پرولتاریا را در طول سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۶۴ محفوظ نگه‌دارد. (به طریق اولی آن را تحکیم بخشد، گسترش و تقویت کنند) (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم) وظیفه مخفی کاری است که پیشرو و وظایف سازمانی را تا انتزاع شده و در عین حال بنیاد تشکیلات را تا حد امکان فربه‌نا پذیر سازد. واحدهای

سازمانی همراه با رعایت دقیق اصول پنهان کاری می‌بایست شیوه‌های جدید کار در عرصه‌های مختلف حیات سازمانی را بکار گیرند. ولی کار بست مسایل فوق برای تداوم کار انقلابی و حیات سازمانی کافی نمی‌باشد ضروری است که هر واحد سازمانی نیروها و محافل خود را در نیروهای مترقی و دمکراتیک و تشکلهای توده‌های تحت رهبری خویش احاطه شده باشد. در حقیقت برای پنهان شدن دشمن لازمست تا فشرده‌ترین واقعیه ترین رابطه با توده‌ها برقرار باشد. بنا بر این حزب بجای پنهان کردن خود توده‌ها باید - آنان را بسیج نموده و با نهایت قدرت به دشمن ضربه وارد سازد" (رهنمودهای کمیته‌نشین در باره تلفیق کار مخفی و علنی)

کار مخفی را چگونه با کار علنی پیوند دهیم؟

در رژیم‌های استبدادی هما نند رژیم ارتجایی خمینی با وجود جو تروورا و خفقان، امکانات برای کار مستقیم تبلیغی و سازمانگرا نه در بین مردم وجود دارد. در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی را بحرانی عمیق در جوانب مختلف فرا گرفته است. جنبش توده‌های به لحاظ کمکی و کیفی با شتاب گسترش می‌یابد و اشکال اعتراضی آشکار تر و جاد تر بوجود می‌گردد. اعتراضات کارخانجات ذوب آهن، سازمان و نظرات اخیر مردم در کوئی ۱۳ آبان، نشان‌ها را زرو بیرون رفته و وسعت یافتن اعتراضات توده‌های است. امروزه شکارگاری به سازمانهای انقلابی در بین مردم در حال رشد است و اعلامیه‌ها و تراکتها و شعارها سازمانی با استقبال مردم مواجه می‌گردد. با رشد جنبش توده‌های امکان کنترل تشکلهای موجود توسط رژیم جمهوری اسلامی کاسته می‌شود. در شرایط فعلی امکانات خوبی برای کار توده‌های وجود دارد.

واحدهای محلی و منطقه‌ای علاوه بر بخش نشریات و نوشتن شعارهای سازمان از یک سوی با سیاست اعلامیه، تراکت و شعاری نویسی را که در رابطه مستقیم و نزدیک با مسایل، مشکلات و حرکات و اعتراضات مشخص و جاری مردم قرار دارد و در ایجا دوتوقیت رابطه مستقیم میان توده مردم و سازمان مؤثر است تهیه و پخش نماید و از سوی دیگر با کار در بین کارگران و زحمتکشان، آگاه‌ترین و پیشروترین عناصر سازمان مفوض سازمان جلب کند.

در شرایط کنونی برای پیشبرد مؤثر فعالیت در میان توده‌ها می‌بایست از اصل تمرکز نیرو در حاس‌ترین و آماده‌ترین کارنهای مبارزات اجتماعی پیروی کرد. مهمترین آماج فعالیت توده‌ای سازمان گسترش نفوذ در میان طبقه کارگر و در درجه اول در واحدهای بزرگ صنعتی و استراتژیک (نظیر نفت، ذوب آهن، ماشین سازیها، راه آهن، مخازن، هواپیما و حمل و نقل شهری و غیره) است. واحدهای سازمانی می‌بایست بطور جدی و پیگیری در جلب کارگران سپهت گیری و ایجاد حوزه‌های سازمانی در این واحدها تلاش کنند. کارگران مابین واحدها باید خود را در واحدهای بزرگ و استراتژیک مستحکم سازند و مبارزات کارگران این بخش‌ها را مهم اقتصادی را که آگاه‌ترین و آماده‌ترین بخش پخش توده‌های زحمتکش را تشکیل می‌دهند رهبری نمایند. بسیج کارگران واحدهای بزرگ صنعتی، پیوندهای زیادی با سایر زحمتکشان شهروند دارند و بهترین حلقه ارتباط سازمان با این نیروها هستند.

کار در بین دهقانان آماج دیگر نیروهای سازمان است. هدایت مبارزات دهقانان و متشکل کردن آنها بسیار پراهمیت است. می‌بایست از کارکنانهای مختلف ارتباط با دهقانان مبارز و معتمدین روستا، معلمان روستاها، دانش‌آموزان روستایی کارگران فصلی و طرق ممکن دیگر فعالین بین دهقانان زحمتکش را وسعت بخشید.

جوانان میهن ما در معرض انواع ستم‌های اجتماعی قرار دارند و نقش و اهمیت جوانان بوضوح در روند انقلاب بهمین دیده شد. کار در بین جوانان از اهمیت بسیار برخوردار است. برای تشدید فعالیت سازمان در واحدهای تولیدی، روستاها، نیروهای نظامی و دیگر عرصه‌ها می‌بایست فعالیت در بین جوانان، در دبیرستانها و دانشگاهها و در سایر محیط‌ها گسترش یابد. سازمان در سالهای اخیر وسعت در بین جوانان فعالیت می‌کند. واحدهای سازمانی در شرایط کنونی نیز با وجود سرکوب شدید می‌بایست در بین جوانان کار کرده و آنها را به اشکال مختلفی سازماندهی نمایند.

آماج دیگر فعالیت در بین نیروهای مسلح است. اکثریت این افسران و فرزندان زحمتکشان تشکیل می‌دهند. رژیم خمینی می‌کوشد این نیروها را از پرست جدا کرده و بعنوان ابراز سرکوب استفاده کند. ولی نیروهای نظامی میهن پرست به تجربه و در میدانهای جنگ به ما سختیهای ارتجایی و جنگ طلبانه رژیم پی می‌برند و به اشکال مختلف به اعتراض بر می‌خیزند. تجربه نشان می‌دهد که جلب بخشی از نیروهای نظامی به صفوف انقلاب و تشکیف ارگانهای سرکوب رژیمهای ارتجایی، در پیروزی انقلاب نقش بسیار جدی دارد. برای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، کارگران را برای بسیج توده‌های کافی نیست، می‌بایست به کار در بین نیروهای نظامی توجه لازم مبذول داشت. واحدهای سازمانی باید فعالیت تبلیغی و سازمانگرا در بین نیروهای مسلح وسعت بخشند.

تلفیق کار مخفی و کار علنی عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. یکی از عرصه‌های فعالیت در شکل‌های موجود، تلاش برای ایجاد تشکلهای واقعی توده‌ای است رژیم خمینی با وجود پیشرده سیاست تروورا و خنثی تاکنون نتوانسته است تمام تشکلهای رانایا بود سازد. هنوز زرد کارخانجات و روستاها و دیگر جاهای تشکلهای نظیر سندیکا، شورابویژه تعاونی‌ها ایسکن، معرفی و اعتباری و تیمهای ورزشی و غیره وجود دارد. می‌بایست با هدف احیاء و بازسازی در این تشکلهای شرکت جست و آنها را از دست عوامل رژیم گرفت و به ارگانهای مستقل و متعلق به خود کارگران و دیگر زحمتکشان تبدیل کرد. نفوذ در این تشکلهای دوطرفه و مقهور است یکی عضویت بلاواسطه در این تشکلهای و دیگری پیش‌بردن شعارها و سیاست مورد نظر سازمان از راههای غیر مستقیم و با واسطه. واحدهای سازمانی می‌توانند به شوق وسایل ممکن نظرات سازمان خود را در این تشکلهای جاری کنند و با برقراری ارتباط با فعالین این تشکلهای تشدید آنها با اخبار، اطلاعات و آمارهای لازم و تلاش برای یکجانبی عنا مرئست در درون آنها و اعمال فشار از بیابین به رهبری تشکلهای برای قرار گرفتن امکانات این تشکلهای در خدمت مبارزات مردم بکوشند. در واحدهای تولیدی با وجود گسترده‌ی تشدید مبارزات اعتراضی و مطالباتی، کارگران هنوز فاقد تشکلهای مستقل خود هستند. باید شعار تشکیلی سندیکال و اتحادیه‌های مستقل کارگری و وسیله تبلیغ و ترویج کرد. نزدیک ترین و مؤثرترین طبقه برای تشکیل سندیکا در شرایط کنونی تشکیلی هسته‌های مخفی کارگری است که می‌بایست از محرب‌ترین و پیشروترین کارگران تشکیل گردد. برای تشکیل هسته‌های مخفی می‌بایست نیروی کافی اختصاص داد. تجربه نشان می‌دهد که طبقه بنسندی اعتراضات و اعتصابها کارگری در بین عده معدودی از کارگران که دارای بویط محفلی و دوستانه اند، شکل می‌گیرد. باید این محافل را در واحدهای تولیدی پیدا کرد و در یک روز کار پیگیری و با حوصله آنان را یاری داد که به هسته‌های مخفی

يك پیروزی دیگر برای کارگران

روز دهم اردیبهشت، رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی، اطلاعیه‌ای از جانب وزارت کار و امور اجتماعی پخش کردند که در آن از "کارگران معتمدت‌ها" در و حومه برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه آزادی دعوت شده بود.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز اعلام کرد که مراسم بزرگداشت روز کارگر در ساعت ۹ صبح روز ۱۱ اردیبهشت در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد. (لازم به تذکر است که رژیم، در سه ساله اخیر، این مراسم را به صورت محدود و آنهم در ساعت ۴ بعد از ظهر یعنی بعد از پایان کار پروژانه (بزرگراهی کرد) به این ترتیب رژیم کارگرستیز جمهوری اسلامی بدون آنکه رسماً تعطیلی روز کارگر اعلام کند، به یک عقب نشینی ناخواسته و تا گزیر در برابر اراده و خواست طبقه کارگر بران تن داد. خامنه‌ای به اتفاق وزیر کار و جمعیت از مقامات لشکری و کشوری در این مراسم حضور یافت و سخنرانی کرد، رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۳ اردیبهشت، از روز کارگر و اهمیت آن سخن گفت و منتظری طی دیداری با کارگران و معلمین، از اینکه "هنوز شرايطی پیش نیا مده که حقوق این دوقش (کارگر و معلم) کاملاً تامین شود" ابراز تأسف کرد.

اینهمه "بذل توجه" مقامات نسبت به "مقام کارگر" و "روز کارگر" معنا بش چیست؟ خواست رژیم طی سالهای اخیر همواره این بود که روز اول ماه مه را اساساً نادیده بگیرد. اما چون توان مزاخ کردن این سنت را در خود نمی دیدی می کرد که آشواکت. الشجاع مناسبت های دیگری چون نیمه شعبان ("روز جهانی مستضعفین")، روز میلاد علی و یاسا سالروز پیروزی مطهری قرار دهد. اما سرانجام رژیم سندنیز در فشار مایه کارگران برای تعطیل رسمی اول ماه مه عقب نشینی کرد. سران رژیم در سالهای اخیر به تجربه دریا قنبد که علیرغم مخالفت شان با تعطیل اول ماه مه و برگزاری این جشن، کارگران در سرانجام بران جشن را برگزار می کنند و این روز نیز در همه واحدها عملاً به صورت نیمه تعطیل درمی آید، از طرف دیگر آنها خوب می دانند که مخالفتشان با این خواست عمومی، اعتراضات کارگری را بیش از پیش تشدید می کند. لذا برای جلوگیری از تعطیل خود بخود کارگران در شنبه از دستشان، خود را ناگزیر از آن دیدند که "ابتکار عمل" را به دست گیرند و در عین حال با تعطیل این روز هم رسمیت نبخشند تا بقدر دا بتوانند آنچه را که امروز بنا گزیر از دست می دهند، آنرا نترس بگیرند.

کارگران آگاه و پیشرو با بدمن افشای این فریبکاری ها، اهمیت این دستاورد پیروزی جدید را برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان توصیح دهند و مبارزه کارگران را برای رسمیت دادن به تعطیلی روز اول ماه مه همچنان به پیش برند.

اختصاص داده شده با جزئیات اعلام گردید. روز بعد موسوی نخست وزیر رژیم نیز طی سخنرانی به وزارتخانه ها، سازمان های وابسته به دولت و تحت پوشش آن اعلام کرد: "کلیه خواهران جناب اسلامی را در محیط کلیه دوا بر دستگا ههای اجرایی به دقت مراعات کنند" وی وزرای کابینه را مسئول مستقیم اجرای سخنرانی خود بازرسانی جهت پیگیری تعیین کرد. این تلاشها و چنگا نته سران رژیم برای علم کردن غائله مبارزه به "بی حجابی و بدحجابی" به این منظور بوده است که در عین حال زیر پای پوشش مردم را مرعوب کنند، از ادامه تظاهرات آنان جلوگیری نمایند و افکار آنان را از مبارزه با طرح و علیه جنگ و رژیم منحرف سازند.

هیا هوی مبارزه با فساد در عمل چیزی جز دستگیری افراد "مشکوک"، تفتیش بدنی و گشتن کیفها و بستن چهار راه ها و بازرسی مردم در پس شرا و تها ی از قبیل قیچی کردن موی سر مردان جوان، حمله به زنان و غیره نبوده است. اما وقتی شرا و تهای "سته های" حزب الله و یکژیوبسته های آنان به حدی رسید که سر اسر هرا در تشریح انفجار را میز فرو برد، خامنه‌ای با ردیگر به چینه آدمو طی یک مصاحبه را دیو تو بیچی اعتراف کرد زیرا ده روپهای صورت گرفت و وعده ای از مردم مورد هجوم قرار گرفتند البته خامنه‌ای این زیاده روپها را به حساب گروههای سیاسی گذاشت. او سپس گفت: "بالاخره این تظاهرات (منظور هجوم جماعتاران) هر چه بود و هر چند روز بود کافی است و دیگر ادامه نیابد" و افزود: "از این پس مسئولین دولتی و قضایی باید اقدام کنند" او با این صراحت نقش خود مقامات طرا ز اول رژیم را در سازماندهی دستجات و باش علیه مردم زحمتکش بیان کرد. وی در خاتمه تصریح کرد: "البته این راه توجیه بکنند البته گفتیم مردم تظاهرات نکنند در باره مسائل مربوط به فحشا و منکرات گفتیم، اگر گروههای سیاسی بخواد هند شرارت کنند، تحریکات کنند و تحت عنا وین مختلف بیایند توری خیا با آنها (منظور برپایی تظاهرات مردم علیه جنگ و رژیم است) ... حزب الله خواهد آمد".

بدین ترتیب رئیس جمهور خا ش رژیم صریحاً می گوید مردم را با دستهای او باش حزب الله برسانند و تظاهرات و اعتراضات را جلوی خود، اما این تهدیدها راه بجایی نمی برد. ارتجاع با ادامه جنگ خا تا نسوز گرائی، تورم، بی کانونی و شکست و اعدام و ... و راه اندازی دستجات او باش و عملیات فاشیستی در خیا با آنها هرگز نمی تواند از خیزش توده های علیه جنگ و علیه رژیم جلوگیری کند. با فاعا لیت بیگیری از زمانهای انقلابی و مردمی همرا ه با تجریبات و مبارزات روز مراه و دهها سرانجام راه سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هموار خواهد شد.

جنايات دسته‌های حزب الله

درا و آخر فروردین و اوایل اردیبهشت بار دیگر دستجات موتور سواران وابسته به رژیم به خیا بانها ریختند و هر چه که از دستشان بر می آمد نجا مدها دند. آنها در حالی که چون هیران خدیبه هرزه ترسین شکلی علیه بی حجابی و بدحجابی "شعاری دادند و وشیا نه به مردم هجومی بردند و زنان و جوانان را مورد شدید تیر تمل اهان تها قرار می دادند. با یمالی کامل حقوق زنان، به راه انداختن دسته های او باش برای آزار زنان و جوانان و دست زدن به بیبکار ریهایی تکان دهنده بعنوان "کیفر بدحجابی و بی حجابی"، سیاست همیشگی رژیم است. دمنشی های اخبر دسته های او باش وابسته به رژیم نیز یکی از هزاران نمونه است. اما بسیار قابل تامل توجه است که بیبنیم افزون بر آن، رژیم در چه شرايطی با ردیگر تنور "مبارزه بجایی حجابی" را تاش می کند و او باش و هرزه گردان خود را علیه مردم به میانی می ریزد؟

هیا هوی اخیر علیه "بی حجابی" در شرايطی بسیار دشوار دهها هزار جوان ایرانی در عملیات فاجعه آمیز "یدر قتل عام شدند و هزاران و بسیاری شهرهای کشور توسط رژیم مدام جنایتکار ریمباران می شد و در این بمبارانها خانه ها و گاه خانه مردم ویران و خود آنان کشتار می شدند. جنايات جنگی تازه سران رژیم، خشم و انزجار مردم را هر چه بیشتر علیه این جنگ و علیه رژیم برانگیخت و به تظاهرات مردم علیه جنگ و رژیم در چند نقطه جنوب تهران و در بررورد و چند شهر دیگر انجامید. تظاهرات گسترده کوی ۱۳ آنجا که به مناطقی دیگر جنوب تهران گسترش یافت و هزاران نفر در آن شرکت داشتند و وطنی آن ساعتها ز قور و جنگ و گریز بین مردم و نیروهای سرکوب رژیم صورت گرفت. شاخص ترین آنها بود. رژیم حتی مجبور شد یک تپیا از سپاه سرکوبگر را جهت کنترل مردم خشمگین جنوب تهران از جبهه فرابخاوند. اما سران رژیم این اقدامات را کافی نمی دانستند به همین جهت او باشان "حزب الهی رانیز به خیا با آنها کفیدند.

با همین هدف خامنه‌ای در نماز جمعه ۳ فروردین با علم کردن مجدد مساله حجاب فرمان حمله و هجوم او باشان به مردم را صادر کرد. دوروز بعد، دادستانی کل کشور اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن تالان گیری او باشان و وابسته به رژیم در خیا با آنها تحت عنوان "مبارزه بجایی حجابی و بدحجابی" مورد تاید و حمايت قرار گرفت. اطلاعیه کلیه کسانی را که به اصطلاح با پوشیدن لباسهای نامناسب و خلاف عفت به قوانین اسلامی و مقدسات مردم توهین می کنند" به بر خورد "قاطع" تهدید کرد. به همین دلیل مواد ۱۰۴، ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی که در آن برای متخلفین مجازاتی از ۲۴ ضربه شلاق تا اعدام

تعمیق کار مخفی و علنی ...

کارگری فرارویند، عنا بر نفوذ و مؤزدا عتما دکا رگران نیز در شکل گیری هسته های کارگری نقش مهمی برعهده گیرند. علاوه برای جلب و جذب فعالین سندیکایی و شورایی که به جهت انحلال بسیاری از تشکلهای کارگری و سیاستهای ضد کارگری و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی دل کنده اند، تلاش کرد و تانرا در غیب و تشویق نمود که هسته های کارگری را دروا حدهای مختلف تشکیل دهند. نیروهای سازمان دروا حدهای تولیدی باید در تشکیل هسته های کارگری پیشقدم شوند.

عرصه دیگر کار در شرایط کنونی شرکت فعال در راه اندازی و گسترش تظاهرات توده های مردمی باشد. تاکنون تظاهرات متعددی در شهرهای مختلف کشور رخ داده است که تظاهرات در کوی ۱۳ آنجا برجسته ترین آن می باشد. نیروهای سازمان در این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند. بی با یمنست واحدهای سازمانی اما دکا کافی برای شرکت در این نوع تظاهرات را داشته باشند و با استکارات خود مقامات و افزایش داده و با طسرح شعارهای مناسب آنرا هدایت نمایند و به تقویت و تعمیق محتوای سیاسی آن بپردازند.

عرصه دیگر فعالیت تشکلهای نیمه پیدار می باشد به تجربه دیده می شود که مردم در محل زندگی و کار برایی طرح خواسته های خود مع می شوند و به اشکال مختلف به سیاستهای رژیم خیمینی اعتراض می کنند که می توان از اعتراض مردم برای آب و برق، مسکن، و علیه ادامه جنگ و ویرانگری و غیره در شهرهای مختلف نام برد. این تجمع ها در شرایط کنونی روز بروز گسترش بیشتری می یابند و موردی می تواند به شکل پایدار تبدیل شوند. نیروهای سازمان می با یست در این تجمع ها فعالانه شرکت کرده و بکوشند تا آنها را هدایت کنند و به ارتقا آنها به شکل های پایدار کمک کنند.

فعالیت در میان مردم را نیز باید تها در تشکلهای خلاصه کرده می توان به طر مختلف با کار رگران و زحمتکشان تما می گرفت. فعالین سازمان در محیط کار روزندگی می با یست بدون اینکه هویت سیاسی و سازمانی خود را برملا سازند، در مبارزات مردم شرکت جویند. جلب عتما دو اطمینان مردم از اهمیت اساسی برخورد راست. هر عتما انقلابی می با یست با روحیه خدمت و دلسوزی، بسیار گذشت و فدا کاری و از طریق آگاه خیمین و هدایت مبارزات مردم، نظر آنها را به سوی خود جلب کند. این امر را به اشکال مختلف می توان پیش برد. فعالین ما می توانند در محل های کار روزندگی به مردم برسند، در حسل مشکلات آنها شرکت جویند، در غم شوادی آنها شریک شوند و رابطه دوستانه با مردم ایجا دکند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

فعالین سازمان لازمست در درجه اول به سراغ کسانی بروند که به جهات مختلف توانسته اند عتما مردم را کسب کنند و بیانون معتمد به حساب می آیند. حاصل این شیوه کار بیشتر است. از طریق این عتما سریع ترمی توان به جمع بیشتری دسترسی یافت و بطور موثر تر عمل کرد. واحدهای سازمانی در محدوده فعالیت خود می با یست برنا مه معینی را برای پرورش چهره های مورد عتما مردم داشته باشند.

واحدهای سازمانی می با یست به فعالیت در بین زنان، معلمین، کارمندان، اقلیت های ملی و مذهبی، خانواده زندانیان سیاسی و شهدای جنگ و آوارگان جنگی نیز بپردازند.

یکی از اجزای مهم تبلیغ کار علنی و کار مخفی فعالیت در مطبوعات و ارگانهای تبلیغی و انتشاراتی است. رژیم خیمینی به تبلیغات وسیع ضد کمونیستی، ضد علمی و خرافاتی دست زده و فرهنگ ارتجاعی را در جامعه اشاعه می دهد. اما مبارزه انقلابیون در این عرصه خیلی وسیع تروجدی تر از دوران رژیم ستم شاه است. برای بیگاری فرهنگ ارتجاعی و با وجود کنترل شدید مطبوعات و انتشارات. کتب می با یست از مطبوعات و انتشارات علنی سوجست. در سالهای قبل از انقلاب علیرغم اعمال سانسور شدید از جانب ساواک عتما مترقی توانستند به اشکال مختلف به اشاعه ادبیات مترقی، اصول فلسفه علمی و اقتصاد سیاسی در جامعه یاری رسانند و حتی در برخی مطبوعات به کار روشنگرانه بپردازند. در شرایط کنونی گرچه استفاده از مطبوعات علنی، گرفتن امتیاز نشریه و انتشار کتاب با دشواری و سختی زیاد همراه است ولی ضرورت دارد که راهها و شیوه های بهره گیری از مطبوعات علنی، نهادهای فرهنگی، آموزشی و هنری را فرا گرفت و به تالیف و ترجمه کتابهای علمی و اجتماعی دست زد و راههای برای انتشار آن پیدا کرد. واحدهای سازمانی می توانند نیروهای دمگرات، استادان، نویسندگان، هنرمندان و سایر عتما مترقی را تشویق کنند که بر تلاشهای خود بیفزایند و برای پیشبرد این امر بطور بیگیری سازمان یافته به آنها یاری رسانند.

آری! برای سرنگونی رژیم سرار ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری ملی و دمگراتیک با یداز همه امکانات برای آگاه سازی، بسیج و سازماندهی توده ها بهره گیریم. با ید بطور هوشیارانه و خلاقانه کار مخفی و کار علنی را ترکیب کنیم و همه نیروهای ممکن را برای رسیدن به هدف مقدس خلق آزاد سازیم. کوتاه ترین راه رسیدن به هدف، راهی است که بر ستمتر استفاده از همه امکانات همواری شود.

چشمان قهرمان باز است!

به یاد رفیق خسرو روزه

"من با قتلش آتشی که بیخا طر خدمت به خلقهای ایران در درون سینها م شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و با پیدا دان کنم که جانم استخوان این راه را مقدسی شناخته است و تمام سولهای بدن من و ذرات وجودم توده ای است."

۲۱ اردیبهشت با گذر دهشت خسروروزیه فرزند قهرمان خلق و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. روزه، بیگارجوی خستگی ناپذیر و مبارز بیگریویا بدار، سمبل عشق و وفا دار به آرمانهای والای انقلابی، حزب خود مردم خود بود. حماسه زندگی، قهرمانی و شهادت شکوهمندش به جسمی زنی از فرهنگ افتخار فرین جنبش انقلابی مبین مان بدل شد. دفاعیات آتشین و شورانگیز روزه در سیدادگاههای شاه، با زتابی عظیم و جهانپاقت و به انقلابی ترین شعارها و پرچم ستار و سرفراز مبارزه علیه رژیم ضدمردمی و جناحیتکار شاه مبدل شد.

خسروروزه از آن زمان که هنوز به راه سیاسی گام نگذاشته بود، در محیط کار خود در ارتش شخصیتی رزمجو و زادمنش، برجسته و مردا حترام داشت. از سخنی هانسی هراسید، از میبندان نمی گریخت، از ناکامیها نمیبدمی شادبا پاقتاری از آنچه حق و عدالت می شناخت دفاعی می کرد. آنچنان که گفته است "هروقت با فساد مواجه می شدم اراده ام برای مبارزه با آن محکمتر می شد کوشش روزه برای کشف سرچشمه بی عدالتی ها و از میان برداشتن آنها بزودی او را در حرکت فعال سیاسی و در مواضع اندیشه علمی و انقلابی قرار داد. روزه از مزمنه نخستین افسرانی بود که در سال ۱۳۲۲ به حزب توده ایران پیوست و از بنیانگذاران "تشکیلات افسران آزادخواه ایران" شد. مقالات او و بیوزیه کتاب "باطاعت گورگورانه" افشاگر مفاسد سران ارتش و دعوت افسران و درجه داران به مبارزه در راه میهن و مردم و علیه استعمار و امپریالیسم بود و زندگی سیاسی پر بار و فعالی توام با شادواریها و مسئولیتهای خطیر در پیش داشت. بزودی تا جانشینان و دشوار رخی را در پیش گیرد. چندیار دستگیری با موفقیت از زندان گریخت. به دلیل لیاقت و توانایی خود مسئول شعبه اطلاعات و تشکیلات نظامی می شد. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، روزه با شجاعت و تمام توان خود برای حفظ حزب و تشکیلات

به یاد مجاهدین شهید حنیف نژاد و یاران

چهارم خرداد ماه مصاف با سیزدهمین سال شهادت محمد حنیف نژاد، اصغر بدیع زادگان و سعید محسن بنیانی نگذاران و عسگری زاده و منگین فام کارهای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران است که رژیم ستم پیشه شاه ناخواست غرق آتش راهب و جفا عدا م سپرد.

این انقلابیون پاک باخته و فداکار در شرایط تسلط امپریالیسم و ارتجاع بر کشور و اعمال دیکتاتور خشن شاه خا شن بیبا خاستند و علیه امپریالیسم و دیکتاتور بی بیگار بردا ختند. مقاومت آنها در زیر شکنجه های رژیم شاه و دفاع آنها از آرمانهای سوسیالیستی و مبارزه با رژیم ستم پیشه شاه را به نیکی ندخلق ترسیم کرده است.

آنها با ضرورت مبارزه با رژیم ستم پیشه امپریالیسم و ارتجاع تا کیداد شدند. اظهارات، نوشته ها و دفاعیات آنها مملو از خشم و کینه عمیق نسبت به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن بود. بنیانی نگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران علیه رژیم ستم پیشه گسترده امپریالیسم و سواک شاه و شریون مرجع علیه انقلابیون کمونیست، شجاعانه و آگاهانه و با بیبش با زوعتالی طلب بر ضرورت اتحاد با کمونیستهای می فریادند. هرچا که چنین کوششهایی جریا ن یافت و بی گرفته شد میان انقلابیون مسلمان و کمونیستها اتحاد و دوستی بسیا ر پرشوری پدید آمد که سالها جنبش از آن بیفودا ر شد.

امروز، در شرایطی که نیروهای انقلابی و شریخواه کشور ما آماج بدترین تهاجمات ارتجاع قرار دارند، همچون دیروز که بازم جنبش مردمی ما آماج ارتجاع شاه بود، یاد این همزمان پاکباخته خرد قلب مبارزین زنده است. آنها برای میهن و مردم خود شهید شدند و در دل میهن و مردم خود زنده اند.

درگذشت رفیق ایرج اسکندری... بقیه از صفحه ۱

هنگامی که در روستاهای فاشیت در بناه رژیم رضا خانی به محض آمدن، اراتنی و یاران وی چون اسکندری که پرچم مبارزه انقلابی و آزادی میهن را برافراشته بودند، به بند کشیده شدند. وی همراه گروه ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶ با زندان شد و تا پایان حکومت سیا هر شاخ در زندان قصر که هنوز هم با دگار ۵۳ نفر را در دل خود دارد زندان ماند.

رفیق ایرج اسکندری پس از آزادی از زندان و سقوط حکومت رضا خان در سال ۱۳۲۰ در بنیانی نگذاران حزب توده ایران شرکت جست. کنگره اول حزب توده ایران در سال ۱۳۲۲ برگزار گردید، وی را به عضویت کمیته مرکزی برگزید و او این سمت را تا پایان عمر خود حفظ نمود.

رفیق اسکندری در سرگروهی حزب توده ایران سالهای پر فراز و نشیبی را بپیمود. سالهای پر پرورداد ۲۴ - ۲۵، سالهای پر جوش و خروش ۳۰ - ۳۲ و کودتای آمریکا ۲۸ مرداد و سالهای پس از آن و سالهای پر خروش خلق و سقوط رژیم مشروطه و سرانجام سالهای استبداد سیا و خمینی و به خون کشیده شدن چند باره حزب توده ایران.

آثار و ترجمه های وی نقش موشری در تبلیغ و شویج ادبیات ما کبسیتی - لنینیستی دارد. ترجمه "کاپیتال" اثر مارکس و سترگ کارل ما رکی از کارهای ارزشمند وی با نندنی وی می باشد. او در مقدمه ترجمه این اثر ارزشمند نوشت: "دراوانی که با تفاق رفیق فقید دکتر اراتنی دوست ارجمندی در به نشنا رجمه دنی همت گماشته بودیم، لزوم ترجمه آن را رکی بسوزیه کاپیتال کرا را مورد بحث قرار می گرفت. بنا به پیشنهاد دکتر اراتنی این وظیفه به نگارنده محول گردید. بهمین سبب در تابستان سال ۱۳۱۶ دست به ترجمه کاپیتال زدم و قسمت مهمی از کتاب در بهار ۱۳۱۶ خاتمه یافت. بود که با زاداشت ۵۳ نفر پیش آمد و کاری که آغاز شده بود منقوع ماند."

این کاربدها به دستور حزب و توسط رفیق اسکندری ادا می یافت و اکنون که ۵۰ سال از آغاز ترجمه کاپیتال می گذرد، بخش اعظم ترجمه این اثر اکنون با رها چاپ شده است. ما در گذشت رفیق اسکندری را به کمیته مرکزی و اعضای حزب توده ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم.

یادش گرامی باد

پوزش و تصحیح

در بنیانی مشترک ضمیمه کار شماره ۱۵ در بخش تحول در آرایش طبقاتی جامعه در سطح فاجای ملی شناها ملی تاپ شده و در سطح ۵۵ بجای شوق کلمه تحقیق تاپ شد. دست گذرد به بنیانی تصحیح می شود.

نظ می در برابری و سرورس همگین ارتجاع استاد. او می گفت: من خوب می دانم که ما نند در جنبش شراطی و کارکردن در جنبش محیطی تقریباً مساوی با مرگ است. ما معتقد بودیم که با پیدا دان نمونه ها و گنگاران نظامی، بر شکست چپه شد. این اعتقاد او در برابری و سرورس شاه تجلی یافت. ۳۰ افرشجاع آزادخواه و وطن پرست توده ای به دستور شاه اعدام شدند. در پی نژدهم تیر ۱۳۲۶ روزه ضمن یک درگیری مسلحانه شهیدان زخمی و به دست دشمن گرفتار شد. از این زمان او پیش روی خود وظیفه و ما موریت تاریخی دفاع از حزب در شرایط اسارت را قرار می دهد. اراده انقلابی و ستار و روزه در زمین رژیم را علیه رژیم شکنجه های وحشیانه و همه دسایس شان به از نواقتند. روزه بیدار گاه شاه را به محض افتای شما میت رژیم ضدمردمی ضدل ساختار، به حقانیت اندیشه و آرمانهای والای کارگزاران و زحمتکشان پای نرفته و گفت "اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آتربا بر سر رژیمها احسان کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آزادی تحقق این اصول و یا نتیجه ایجاد بنیانی نوین برای جامعه ایران و سرانجام تا مین سعادت و رفاه و سرپرندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است." او از راه خود حزب خود طاعنه دفاع کرده، می گوید "... من به عقاید پای بندم، نظرات سیاسی ام را مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفا دارم و به مفاسی که در زیر انگشت حزب توده ایران کرده ام، احترام می گذارم..." و سرانجام اظهار می دارد "افتخار من این است که به وظیفه و ما موریت تاریخی خود عمل کرده ام"

رفیق خسرو روزه در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ به خوچه اعدام سپرده شد. او به هنگام اعدام تقاضا کرد که چشمهای او را نبندند و همگانه که می خواست با چشمهای باز و خیره بر دشمن مرگ را بپذیرد. او زندگی و شخصیت انقلابی خسرو روزه الهام بخش و شرف تمام کسان است که در راه استقلال، آزادی مردم و برابری جامعه ای بدور از ظلم و ستم و نابرابری علیه ارتجاع، و امپریالیسم به مبارزه بر می خیزند. زندگی و مرگ خسرو روزه شری شورانگیز و حماسی در ستایش سوسیالیسم و کمونیسم، در ستایش مردانگی و مردم دوستی و در وفا داری به حزب بود. او با زندگی خویش مرگ را تحقیر کرد و با مرگ خویش زندگی را ستود و با خون خویش پرچم پیروزیت جنبش کمونیستی و انقلابی ایران را هر چه خونینتر نگه کرد. اهتر از در آورد، او جا و دادانه شد.

شروع به فعالیت و مبارزه کرد. روحیه او در همه زندانیان سیاسی ایران در آن زمان زبا نند و تدانی بود. ساواک با رها و بارها او را با ظور میبازره و افشاکری هایش با زندان کرد تا مرگ او را بکنند. از ادا به بیگار با زادارد، اما ما در تهرمان همه آندان را زبون ساخت. در جریا ن مبارزات و اعتراضات و اعتصابات زندان، همیشه زندانیان چشم به اطراف ملاقا ت داشتند که خبرهای تازه خاتم سردی را بشنوند و آنچه را که می خواهند از طریق او به گوش مردم و زمان برسانند. ابستکار و هو شیاری ما در در انجام این وظیفه دشوار تحسین انگیز بود. شهادت عزیز ما در اانشکست، بلکه بر شمام و علیه رژیم افرو و بیوزندیک شدن انقلاب، و شور و تازهای بخشید. ازال ۵۶ بجای اختساق شکست با زا رنوخا نه خاتم سردی در جوادیه خانه فداییان و مرکز فعالیت مبارزان جوادیه شدند. روزهای انقلاب مردم کوچه محل اقامت خانسواده سردی را کوچه شهید سردی نام گذاشتند و نشان را غرق گل ساختند. او همواره با مردم بود، او همواره با سازمان بود و تا آخرین لحظه عمر خود با رفا دار و زجتکش فداییان خلق بود. یادش گرامی باد.

آستانه تلاشی است. امروز نیز یگان "جنگ ملیبی" علیه کمونیسم اعلام کرده و با وقاحت می گویند: "عمر کمونیسم به سر رسیده است. ریگان همانند سلف خود برای تا مین سیادت آمریکا بر جهان نیان، برای کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی و برای بازگرداندن مواضعی که نظام منحط سرمایه داری از دست داده است، به بی سبب ترین سابقه تسلیحاتی دست زده و جهان را به آستانه جنگ هولناک هسته ای سوق داده است. ریگان با این اقدام شنیع به فاشیستهای هیتلری پیام داد که "آسوده بخوابید، امپریالیسم آمریکا بیدار است" برای برگرداندن چرخ تاریخ به عقب، برای سیادت "سرما به"، ریگان همانند هیتلر آمده است که جهان را به کام جنگ، بکشد، دستا ودهای بشری را تا بودسا زد و زندگی را در سیاره ما از بین ببرد.

موج اعتراض و تظاهرات مردم علیه این اقدام ریگان و در جریا ن دیدار و روی از کشورهای اروپایی غربی نشان داد که نیروهای شریخواه و صلح دوست جهان صمیمانه در مقابل اقدامات تها و زگرانیه و جنگ طلبانه آمریکا ایستاده اند.

آن مادر قهرمان، دیگر در میان ما نیست

پس از سالها مبارزه و قهرمانی و زحمت روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۳ ما در زحمتکش و مبارزان خاتم لیا سمدی چشم از جهان فریوست و با مرگ خود همه فداییان خلق و نیز مردم زحمتکش جوادیه و جنوب شهر را در اندوه و تاثر فروبرد. فقدان این زن مبارز و مادر قهرمان را به زانو نده سردی، به فداییان خلق و مردم جوادیه و بیوزیه به خانواده شهید و زندانیان سیاسی تسلیت می گوئیم. خاتم سردی برای مردم مبارز جنوب شهر، بیوزیه جوادیه و کشتارگاه چهره ای شناخته شده بود که سابقه مبارزاتی به سالهای قبل از دهه چهل می رسد. مردم جوادیه خاتم سردی در جریا ن سیل جوادیه در اوایل دهه چهل خوب تر شناختند. در آن روزها خانه او "ستاد امداد" و مرکز کمک رسانی دانشویان و فعالین شد. در سال ۴۶ که در زمینها ساواک رفیق عزیز سردی فرزند انقلابی ما در دستگیر کردند، او چه در سراجان و چه در قزل قلعه و قمر پشاپیش خانواده ها

ادای احترام ریگان به فاشیسم...

که دهم ژوئن سال ۱۹۴۴ یکی از شهرکهای فرانسه را به آتش کشیدند، تمام ساکنان بی دفاع آنسرا کشتند و ۲۵۰ نفر کودک و معصوم و بی گناه را از دم تیغ گذرانند. بازید ریگان از قبرستان بیت سورگ شوین و با هانت به شریعت شریخواه و صلح دوست جهان و به خاطر میبشاپیش انسانی است که قربانی فاشیسم شده اند. نتایج کل به قبرجانیان این اس هیبتک حرکت است از جانب سرکرده امپریالیسم جهانی، بلکه تا بیدار فاشیسم از سوی آن واقدامی ددمنشانه برای تهدید ملل صلح دوست جهان و در ایران دشمنی با نیروهای عظیم و توانمندی بود که پرچم صلح و سوسیالیسم را برافراشته اند و یک صدا و یکبار علیه جنگ افروزان بیبا خاسته اند. این اقدام سمبل و نشانه بیوند شریستی بین نماینده ها ترین جناح امپریالیسم آمریکا و فاشیسم هیتلری است. هیتلر با شعارنا بودی کمونیستها و در کمونیسم یعنی اتحاد شوروی با به میدان گذاشتن و جهان را به آتش کشید. هیتلر در سال ۱۹۴۵ در کتاب "شیردمن نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در

نیکاراگوئه پیروز است

دولت ریگان ن بعد از زکست در تصویب کمک، ما لسی به فدا انقلابیون نیکاراگوئه درکنگره آمریکا مصمم گرفته است که رسماً بازرگانی با نیکاراگوئه را تحریم کرده و ارتباط هوایی میان آمریکا و نیکاراگوئه را قطع کند.

این اقدام ریگان زمانی صورت می گیرد که سازمان "سیا" بعد از تلاشهای زیاد ضد انقلابی از با ندهای ریکاراگوئه بر سر هم بندی کرده و کسروه فدا انقلابی را در "تخا دا پوزینسیون نیکاراگوئه جمع کرده است. همراء با این اقدامات بنا به نوشته مطبوعات آمریکا، دولت ریگان ما تونیز بزرگی بنام "یونیورسال تراکت" در خاک هندوراس را بر نامه سه ریزی کرده است. در جریان این ما تونیز برای است بخشی از ساحل نیکاراگوئه را پس گرفته به لحاظ شرایط طبیعی مشابه نیکاراگوئه است به انحال در آید. مطابق سناریوی کاخ سفید، خدا انقلابیون نیکاراگوئه هم زمان با اجرای این نقشه آمریکا تشکیل "دولت موقت" خود را اعلام و از آمریکا رسماً درخواست کمک نظامی خواهند کرد.

به گفته دا نیل اورنگاه دولت تجا و زکوریگان با این اقدامات با تحریم اقتصادی می خواهد نیکاراگوئه را به یک اردوگاه بزرگ زندانیان تبدیل کرده و سه میلیون جمعیت آن را به گرسنگی بکشد و دولت کوچک ولی مصمم نیکاراگوئه را به زانو در آورد. اما دولت ریگان با موج گسترده تها ز اعترافات مردم جهان مواجه می گردد.

در اعلان شورای امنیت سازمان ملل متحد که به تقاضای نیکاراگوئه جهت بررسی تحریم اقتصادی آن کشور توسط دولت ریگان تشکیل شد، ده عضو از پانزده عضو شورای امنیت منجمله فرانسه، دانمارک و استرالیا خواستار لغو تحریم اقتصادی آمریکا علیه نیکاراگوئه شدند. ریگان در کنفرانس سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری درین پایتخت آلمان غربی نتوانست نظر متحدین خود را برای تحریم اقتصادی نیکاراگوئه جلب کند. دولت فرانسه رسماً به پسن تصمیم آمریکا اعتراض کرد. نخست وزیر اسپانیا در ملاقات با دا نیل اورنگاه نظراً مخالف اسپانیا را با سیاست ریگان اعلام نمود. در شهرهای نیویورک و کالیفرنیا نظاً هرات گسترده ای در اعتراض به سیاست تجا و زکرا نه ریگان در نیکاراگوئه برپا گردید.

با بیداری حماسه آفرین مردم و دولت نیکاراگوئه در مقابل تجا و زکری امپریالیسم جهانخواه آمریکا و اراده آهنین آنها برای حفظ دستاوردهای انقلاب حمايت روز افزون نیروهای ترقیخواه جهان را جلب می کند. میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در دیدار با دا نیل اورنگاه اعلام کرد: "اتحاد شوروی جدا طرفدار رفاه از حقوق مردم نیکاراگوئه برای توسعه و تکامل آزادانه، مستقل و دمکراتیک بوده و همبستگی خود را با مبارزین نیکاراگوئه علیه دسایس تجا و زکرا نه امپریالیسم اعلام می دارد". رهبران دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز در دیدار با رهبر نیکاراگوئه حمايت قاطع خود را از نبرد سرنوشت ساز مردم نیکاراگوئه علیه توطئه های دولت ریگان اعلام کردند. گروهی از مردم اسپانیا که هنگام ورود دا نیل اورنگاه به ما دریدر اردوگاه جمع شده بودند و فریاد می کشیدند: "نیکاراگوئه پیروز می شود".

نیکاراگوئه پیروزی خود را "پسین شعاری است که اراده و خواست قلبی ملت و دولت نیکاراگوئه و همه نیروهای مترقی جهان را بیسان می دارد. ملت و دولت انقلابی نیکاراگوئه تنها نیستند و تسلیم نخواهند شد.

فناکامی های آمریکا در کنفرانس هفت کشور

کنفرانس سران هفت کشور عمده سرمایه داری به مدت سه روز از دوازده تا چهاردهم اردیبهشت ماه درین پایتخت جمهوری فدرال آلمان برگزار شد. در این گردهمایی مسایل "تجارت بین المللی" و "بده های نظامی آمریکا در مورد گسترش مابعمه تسلیحاتی در فضا و تصمیم ریگان مبنی بر تحریم اقتصادی نیکاراگوئه طرح گردید.

در اسلای اخیر قضاوت و کشاکش بین کشورهای سرمایه داری پیچیده تر و عمده تر تجارت خارجی و مناسبات پولی شده پدید آمده است. دولت ریگان در راه صدور کالاهای ارزان قیمت از این به آمریکا مانع بوجود می آورد و از این راه برای خرید کالاهای آمریکا بی تحت فشار می گذارد. نرخ دلار نسبتاً افزایش یافته است. از سال ۸۰ تا ۸۴ نرخ مبادله نسبت به پول ۲۳ کشور طرف معامله آمریکا ۳۳٪ افزایش یافت. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا موجب سرازیر شدن سرمایه های اروپا به سه

آمریکا گشته است. در کنفرانس سران هفت کشور بر سر حل اختلاف در زمینه تجارت خارجی و مناسبات پولی بحث های صورت گرفت. ولی نتیجه ای به دست نیامد. قرار شد که برای رفع موانع بازرگانیسی مذاکرات مجددی صورت گیرد. کنفرانس بر سر تا ریخ قطعی این مذاکره به توافق نرسید. قرار است تا میتران با آغاز مذاکره در اوایل سال آینده میلادی مخالفت کرد.

بنا به اصرار دولت ریگان. نقشه های آمریکا برای گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا بعنوان موضوع اصلی در دستور کار کنفرانس سران هفت کشور قرار گرفته بود. هدف ریگان از این اقدام، جلب نظر متحدین آمریکا برای پیشبرد جنگ ستارگان بعنوان طرح دفاعی استراتژیک بود. دولت آمریکا مدتهاست که رزوا رتیلیتیاتی برده اندای راه انداخته است تا نشان دهد که طرحهای جنگ افروزانده ای در فضا صرفاً جنبه دفاعی داشته و قاطعاً در راست بشریت و از خطر هسته ای "نجات دهد و فضا را برای نیکاراگوئه و سایر انسان را از وقوع جنگ هولناک هسته ای " بر طرف سازد. این اغواگری های ریگان را حتی برخی از متحدین خود آمریکا نیز قبول ندارند.

ریگان در کنفرانس سران هفت کشور نتوانست نظر سایر کشورهای شرکت کننده را نسبت به طرح جنگ افروزان خود جلب کند. قرار است میتران رئیس جمهور فرانسه عدم علاقمندی دولت فرانسه را به شرکت در طرح جنگ ستارگان اعلام داشته

ریگان در کنفرانس سران هفت کشور تحریم اقتصادی نیکاراگوئه را طرح کرد و کشورهای شرکت کننده خواست تا با آمریکا همکاری نکنند. ریگان در این مورد نتوانست به هدف خود برسد. وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان اظهار داشت: "ما معاً اقتصاد اروپا اقدامات اقتصادی خود را بعنوان وسیله اعمال سیاست خارجی نمی پذیرد و ی گفت: "ما معاً اقتصاد اروپا به تنهایی و گفتم که همه کشورهای آمریکا مرکزی منجمله نیکاراگوئه ادا ما خواهد داد".

کنفرانس سران هفت کشور عمده سرمایه داری با وجود تدارک وسیعی که برای موفق گردانیدن آن صورت گرفته بود، نتوانست به اهداف خود برسد. اجلاس این کنفرانس نشان داد که سیاستهای تجا و زکرا نه و جنگ افروزان ریگان حتی در درون هفت کشور عمده سرمایه داری یعنی نزدیکترین متحدین آمریکا با موانع روبرو است.

تدارک برای تحمیل

و مختصات آن نگرده و انتشار مفاد آن را به پس از تصویب نهایی آن، موقوف نموده است. رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تجربه شکست های فلت با رش در برابر کارکنان، این بار قبل از اینکه تمام قانون کار را تدوین و تصویب کند، ابتدا قانون شوراها را که ستون اصلی قانون کار است، به طور محرمانه به تصویب رساند تا راه را برای تصویب کلیت قانون کار هموار سازد. نثریه کا و هدف ما لویا نه رژیم از تصویب "قانون شوراها و اسلامی کار" اینچنین افشاء کرد: "هدف رژیم از تصویب این قانون، هموار کردن راه تحمیل یک قانون کار ارتجاعی است، چرا که اصولاً تشکیل مستقل کارگری، ستون فقرات قانون کار و نیرومندترین ضامن اجرایی آن است. ارزش هر قانون کار قبلی از هر جنبه ای این معیار سنجیده می شود که تا چه اندازه حق شکل صفتی کارگران را به رسمیت می شناسد و تضمین می کند. رژیم جمهوری اسلامی از آنکامی می های پایینی در تحمیل یک قانون کار ارتجاعی، در سال ۶۳، تصویب آنرا تا فرصت مناسب به تعویق انداخت. این بار دست به یورش حساب شده شرو و حیله نثری زده و به حقی کلیت قانون کار، در حاس ترین بخش آن یعنی حق شکل صفتی کارگری از مورد تهاجم قرار داده است تا به زعم خود راه را برای تصویب و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی جدید هموار سازد. از این نظر، ایستا دگی در برابر بر تحمیل قانون ارتجاعی شوراها و اسلامی کار، ایستا دگی در برابر تحمیل قانون کار ارتجاعی جدید است" (کارشماره ۱۵)

قانون شوراها و اسلامی کار که در بهمن ماه به تصویب رسید، فصل هشتم پیش نویس قبلی قانون کار سرحدی زاده و با اصلاح شاه بیت آن بود. بدیهی است که لایحه جدید قانون کار اسلامی برپایه های بوشالی همان مضمون ارتجاعی و ضد کارگری متکسی است. میمتران ایرادات و دربار آن مضمونه همچنانکه قبل نیز تصریح کردیم، عبارت است از: نقض حق شکل صفتی مستقل، نفی حق مشارکت کارگران در اداره و تولید و ممنوعیت شکل کارگران دروا ده های بزرگ دولتی. لایحه جدید قانون کار اسلامی با یک جنبش روح و جوهری تدوین شده و بعنوان مضمونه ایست دولت روانه مجلس شده است. از اینسو حتی اگر رژیم، لایحه با اصلاح جدید را تصویب نهایی اش همچنان از دید کارگران مخفی نگه دارد، و تنها فله شوراها و اسلامی کار را برای افشای مضمون ارتجاعی و ضد کارگه، کوشش لایحه کا ف است.

وظیفه کارگران و پیشروان گاه است که با تکیه بر این تحارب برپا رنه تنها مضمون ارتجاعی این

قوانین با صلاح جدید را افشا نمایند، بلکه بر تفهیم کامل اصول تدوین یک قانون کار مترقی، با رد دیگر تاکتیکه و روند، این قواعد و اصول عبارتند از: ۱ - مشارکت کارگران در تدوین و اجرای قانون کار. ۲ - تدوین قانون کار بر اساس اصول و قواعد حقوقی صحیح و اعلامیه جهانی حقوق سندیگایی و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار. ۳ - شمول تمام داشتن قانون کار برای همه مزد و حقوق بگیران و واحدهای تولیدی و خدماتی و انواع از بخش های دولتی، خصوصی و تعاونی. ۴ - ضمانت اجرایی داشتن قانون و تعقیب و مجازات همه متخلفین از آن. ۵ - اینهاست ثرویس اصلی قواعد تصویب یک قانون کار مترقی.

از آغاز زپیروزی انقلاب تا کنون، شعار تدوین قانون کار مترقی با مشارکت کارگران، اساسی ترین و محوری ترین مطالبه صفتی - سیاسی توده های میلیونی کارگران ایران بوده است. سرنوشت همه مطالبات صفتی و حقوقی کارگران در گرو نتیجه سرنوشت قانون کار است. کارگران مبارز و پیشرو با دیدش از پیش توجه و حساسیت انقلابی و طبقاتی توده های میلیونی کارگران را نسبت به این مسئله سیاسی و سرنوشت ساز این شعار برپا نگیزند. پیروزی طبقه کارگر در این مرحله از جنبش قانون کار قبلی از هر چیز مستلزم مبارزه هائیک و یکپارچه و سراسری کارگران ایران است، و وظیفه مقدم کارگران پیشرو و مبارز در این لحظه، افشای بیگانه نامه هیست ارتجاعی و ضد کارگری قانون شوراها و لایحه جدید قانون کار اسلامی و تسلیخ و ترویج مختصات یک قانون کار مترقی بویژه تاکتیک ضرورت مشارکت کارگران در تدوین قانون کار است.

کارگران و پیشروان شعار ضرورت مشارکت در تدوین قانون کار را فعلاً نه در این کارزار شرکت می کنند، آنها با علم به اینکه رژیم خمینی نه می خواهد دونه می تواند قانون کار مدافع حقوق زحمتکش را به تصویب رساند و به اجبار آورد، بر ضرورت مشارکت در تدوین قانون کار با فشار می کشند و رژیم را پیش افشاء و رسوا می سازند.

بدیهی است که تشکیل و تقویت هسته های مخفی کارگری دروا ده های مختلف و هماهنگی آنها برای سازماندهی اعتراضات توده ای کارگران حول جنبش قانون کار، یک ضرورت مبرم و درنگ ناپذیر است. فعلاً این کارگری در این لحظه، با سبب افشای این قوانین ارتجاعی و تشویق توده کارگران به ضرورت دفاع از حقوق صفتی خود، زمینه برگزاری گردیده ای های کارگری بررسی قانون شوراها و لایحه جدید قانون کار را فراهم می کنند. این گردهمایی های می تواند به ایست کارگران یک واحد بزرگ، چه به صورت فراخوانی از چند واحد و در یک منطقه کارگری و یا حتی از طریق شعبات

کارگر تشکیل گردد. حتی اگر امکان برکسزانی چنین جمعی در روزارت کار نیز وجود داشته باشد، کارگران نباید از آن غافل شده، بلکه آرا همانند دفعات پیشین به تریبونی برای افشای قوانین ضد کارگری بدل کنند.

یکی از مؤثرترین اهرمهای سازمانگری قانون کار در سالهای ۶۰ و ۶۱، سازماندهی "کمیته های کمیسیون های بررسی قانون کار" توسط کارگران بود. این کمیته ها در بسیاری از واحدها و همچنین در برخی از شعبات کارگر تهران نظرات و پیشنهادات کارگران را حول پیش نویس ها و محتویات و تبصره های آن جمع آوری می کردند. به این ترتیب بحث قانون کار در کارخانجات فعالانه بیکری می شد. اکنون نیز می توان حول همین نیاز و مظلومانه کارگری متناسب با شرایط واحدها، کمیسیون های علمی با لایحه مترقی و یا اساساً هسته های مخفی کارگری را تشکیل داد. و در عین حال امکانات مراکز علمی و تشکل های صفتی - دولتی را نیز به حساب آورد.

الیه اکنون موانع "کارخانه کارگر" در مورد قانون شوراها مواضعی ارتجاعی است و اگر در این شرایط نیز جمعی را برای بحث حول این قانون فراخواند عمدتاً به منظور بررسی "آیین نامه اجرایی" قانون شوراها خواهد بود تا مضمون و جوهر آن، اما کارگران مبارز و زحمتکش استفاده از این مکان را نیز نادیده بگیرند. ضرورتی که جنبش قانون کار گسترش یابد چه بسا که از درون همین کمیسیون های حقوقی، تشکل های صفتی آینده سر برآورند.

کارگران و پیشروان مبارز باید این مکان را مورد توجه جدی قرار دهند، فعالین کارگری هسته های مخفی در عین حال با پدید آری زمانه ندری ناراضی با اعتراضات برآکنده کارگران علیه این قوانین ارتجاعی، مراجع اذقیبل مطبوعات، را دیووت و تویسیونی و دیگر خانه کارگری و حتی کمیسیون کار و موافقتی مجلس (که وظیفه بررسی این لایحه را بعهده گرفته است) را زیر فشار قرار دهند.

کارگران مبارز و پیشرو و همه نیروهای مدافع حقوق کارگران، علاوه بر اینها، موظفند از طریق انتشار اعلامیه، تراکت، دیووت و تویسیونی و دیگر مکتفی، در مناطق تجمع، سکونت و کار زحمتکش این مبارزه را گسترش دهند. همچنین در مسلمان دیگر اقشار طبقه حیات از حقوق یا بیال شده کارگران را برانگیزند.

با توجه به گسترش روز افزون جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و ضرورت سازماندهی این مبارزه دروا ستای جنبش قانون کار، فعلاً این کارگری باید با سازماندهی و تقویت هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات تشکل ها و جماع علمی افشاء و طرد قوانین ارتجاعی موجود را سازمان دهند.

بقیه از صفحه ۱

از نبرد فدائیان خلق

به دنبال او چکیری جنگ جنایت کارانه رژیمهای ارتجاعی صدام و خمینی و بمباران مناطق مسکونی دوشکور، هم میبایست مبارز و بیگانه را در داخل کشور و در نقاط مختلف جهان اعتراض و مبارزه علیه جنگ و رژیم خمینی را تشدید کردند. بنا به دعوت فداییان خلق و توده های هادرخارج کشور اهیما میها و میتینگ های اعتراضی گسترده در نقاط مختلف جهان برپا گردید که در زیر نظر گروه های ایران بسیاری آگاهان و جوانان در این تظاهرات شرکت کردند. ضمن محکوم کردن رژیمهای ایران و عراق، خواهان قطع بمبارانهای مناطق مسکونی و استقرار رفوری صلح شدند.

آلمان فدرال - بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هادرالمان، راهیما میها با شکوه و بی سابقه ای در شهرین بزرگوارگردید. این مراسم یکی از گسترده ترین تظاهرات ایرانیا ن در مقیم خارج کشور بود. در روز دهم فروردین ماه، هم میهانان در این تظاهرات با شکوه علیه سران جنایتکار و جنگ طلب جمهوری اسلامی به اعتراض پرداختند. شرکت کنندگان در این تظاهرات با حمل پوسترها و شعارهای گوناگون جنایات رژیمهای ایران و عراق را افشا و رسوا ساختند و افکار عمومی جهان را با آرایش از پیش متوجه جنگ خانمان برآندادند و رژیم نمودند. تظاهرات گسترده هم میهانان ما درین بنا استقبال مردم آن شهر که ناظر تظاهرات بودند و نیروهای انقلابی و دموکرات مواج گردیدند و از جنایات آنها حمایت شد. در طول مسیر تظاهرات، بسیاری از مردم به راهیما میها پیوستند و تفرخ خود را از اقدامات ما جرایم مردم رژیم جمهوری اسلامی ایران می داشتند. این تظاهرات مورد حمایت حزب کمونیست عراق (آلمان فدرال) و نیروهای مترقی کردستان عراق قرار گرفت.

فرانسه - پارسی - روز دوشنبه پنجم فروردین ماه بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هادریس، تظاهرات گسترده ای علیه جنگ و رژیم خمینی برپا گردید. خواهان قطع تظاهرات و سبب "کمیته فرانسوی

همبستگی بین المللی - بقیه از صفحه ۱۲
کا رگری (CGIL) بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا، فونگی، مسئول امور بین المللی اندراسون حزب کمونیست ایتالیا درمبارزه با مواکریا را غایب رهبری انجمن ملی پارتنرهای ایتالیا، خوان برتینی از رهبران حزب کمونیست شیلی، فسان از جبهه دموکراتیک ملی لبنان و نماینده حزب کمونیست عراق (ایتالیا) جزء سخنرانان بودند.

برلین غربی - در جشن برلین بیبا میها ای ز سوی احزاب و سازمانهای زیر در برلین غربی به ایمن مناسبت و در اعلام همبستگی با مردم ایران و سازمان مادر یافت گردید.

حزب کمونیست ترکیه (اتحاد) حزب کمونیست عراق، حزب ملی پاکستان، حزب کارگران و دهقانان پاکستان، اتحادیه دانشجویان ویتنامی و اتحادیه دانشجویان کردارویا.

گام ها - در جشن تورنتو میهانان از جنایات حزب کمونیست کانادا و انجمن دموکراتیک پرتغالیها، عراقی و پاکستانی های مقیم کانادا حضور داشتند و ضمن بیبا میها همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام نمودند.

فرانسه - در جشن پارسی احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک گوناگونی شرکت نمودند و ضمن بیبا میها شادباش و پر شوریه مناسبت نوزدهم بهمن ماه، همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام کردند. در این جشن بیبا میهای زیر قرا شد:

بیبا کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، حزب توده ایران، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اروگوئه، حزب دموکرات کردستان عراق، جنبش جبهه انقلابی شیلی (میر)، حزب مترقی و سوسیالیست مراکش، اتحادیه کارگران ترکیه و در فرانسه و نیز کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران.

اثرش - در جشن چهاردهمین سال تولد سازمان در اتریش نمایندگان از جنایات حزب کمونیست اتریش، سازمان اتریش حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست شیلی شرکت کردند. شرکت کنندگان در ضمن بیبا میها همبستگی همه جانبه خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما ابراز داشتند. اسپانیا - در جشن اسپانیا که تعداد زیادی از شخصیتهای انقلابی و دموکرات اسپانیا شرکت داشتند بیبا میها زیر قرا شد:

همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران و کمیته فرانسوی علیه اختناق در عراق فعلا لانه شرکت داشتند. همچنین سنا شور "فرناندو فور" عضو فرا کسیون حزب کمونیست فرانسه در تظاهرات شرکت نمودند. بسیاری از اعضای حزب کمونیست عراق و هواداران حزب دموکرات کردستان عراق نیز در تظاهرات پنجم فروردین پارسی شرکت کردند.

یونان - آن - نهم فروردین ماه بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هادرات و سوسیالیست علیه جنگ ایران و عراق در مرکز شهر آتن بزرگوار گردید. در این تظاهرات علاوه بر هم میهانان و هواداران نمایندگان از جانب حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست لبنان، شورای مرکزی جوانان کمونیست یونان و جبهه دموکراتیک دانشجویان سودانی شرکت نمودند. مردم آتن با مشاهده تظاهرات ایرانیا ن در مقیم آن کشور علیه جنگ و رژیم خمینی آژانس و خواسته هایمان پشتیبانی و حمایت کردند.

سوئد - استکهلم - فداییان خلق در سوئد روز سوم فروردین ماه، میتینگ علیه جنگ ایران و عراق برپا کردند. در این میتینگ تعداد زیادی از هم میهانان مقیم استکهلم شرکت کردند و اقدامات جنگ افروزانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمودند. همچنین در تظاهرات شرکت کردند. میتینگ دیگری از جانب فداییان خلق در سوئد نیز ساخته شد. در این تظاهرات مردم بیبا میها را در این میتینگها شرکت کنندگان، بمباران مناطق مسکونی ایران و عراق را شدیداً محکوم نمودند.

انگلستان - لندن - روز سه شنبه ۱۳ فروردین از سوی فداییان خلق و توده های هادرانگلستان میتینگ بیبا شکوه در اعتراض به جنگ و جنایات رژیم خمینی و صدام در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن برپا گردید. در این میتینگ "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" فعالیت وسیعی داشت. شرکت کنندگان در این تظاهرات و اختناق در ایران را محکوم کردند و با شعارهای خود آزادی زندانیان سیاسی ایران را خواستار شدند. در این میتینگ نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی نیز شرکت داشتند.

هندوستان - دهلی - سوم فروردین ماه، بنابه ابتکار فداییان خلق و توده های هادرات با شکوه با شرکت جمع کثیری از هواداران مقیم هند در دهلی بزرگوار گردید. در این تظاهرات بسیاری از

جوانان حزب کمونیست اسپانیا و بیبا میهای حزب کمونیست اروگوئه، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، گروه کمونیست مراکش، بیبا میها و جبهه ویتنامیک و بیبا میها مجمع عمومی کمیته همبستگی با خلقهای (السالوادور، نیکاراگوئه، پاراگوئه، کولمبیا، شیلی، آرژانتین، اروگوئه و پرو) در اسپانیا.

آلمان فدرال - در جشن آلمان بیبا میها حزب کمونیست آلمان قرا شد که در دیدار استقبال حاضرین مواجه شد. در این مراسم همچنین بیبا میهای همبستگی از جنایات حزب توده ایران، حزب دموکراتیک خلق افغانستان (آلمان فدرال)، اتحادیه کارگران فلسطینی، اتحادیه کارگران کرد، سازمان جوانان سوسیالیست، کمیته های صلح و... در یافت گردید.

آمریکا - جشنها در ایالات و شهرهای گوناگون آمریکا از جمله کالیفرنیا، تکزاس، لس آنجلس، واشنگتن، اریزناتون و ویسکانسین برپا شده بود که جلوه های از حمایت همه جانبه بین المللی از مبارزات مردم ایران و سازمان ما علیه ارتجاع بود. در پیروزیهای آزادیها انتشار می یابد:

بیبا میهای حزب کمونیست آمریکا، اتحادیه جوانان حزب کمونیست آمریکا، شورای صلح آمریکا، کمیته برای فلسطین دموکراتیک، کمیته همبستگی با خلق السالوادور، کمیته همبستگی با آمریکا لاتین، کمیته همبستگی با آزادی فلسطین، هواداران جبهه دموکراتیک ملی در لبنان.

هندوستان - در جشنهای با شکوه سالروز تولد سازمان که در شهرهای دهلی نو، بنگلور و پوننا بزرگوار گردید، نمایندگان احزاب سازمانها و جمعیت های گوناگونی شرکت نمودند. شخصیتهای سیاسی و اجتماعی برجسته هندوستان از جمله سید ام. فاروقی در پیروزی ملی حزب کمونیست و عضو هیات اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند، پاراکاش کارت دبیر کمیته یا لتهی دهلی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (راکیست)، بریج موهان دبیر کل حزب کنگره (ایندیرا) و رییس کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - شهردهلی، مولانا نماینده ملی آفریقا در هندوستان، دکتر جی، راماکریشنا شامیت برجسته هندی و دبیر اول انجمن دوستی هندوستان و شوروی، سوریا نارایونا راٹسو رییس مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان و عضو پارلمان ملی، بی. سی. نارایان سرهنگدوستان و دیگران، اتحادیه های کارگری سرهنگدوستان و کاملاً بیبا میهای برجسته و سرشناس هند در این جشنها شرکت نمودند و طی سخنانی ضمن شادباش به

از مردم صلح دوست و آزادیخواه دهلی نو نیروهای فلسطینی مقیم هندوستان شرکت داشتند. شرکت کنندگان در تظاهرات پس از طی مسیرهای تعیین شده در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع نمودند و جنگ طلبی و جنایات ارتجاع حاکم بر ایسران را محکوم کردند. در این مراسم نمایندگان سازمانهای دموکراتیک گوناگون هند برای اجتماع کنندگان در پیرو سفارت جمهوری اسلامی سخنرانی و بیبا میها را در مناطق مسکونی و کشتار مردم بیگناه را محکوم نمودند. در پی این شرکت کنندگان با مسدود کردن معزها ن قطع فوری جنگ و بمباران مناطق مسکونی شدند و نسخه ای از قطعنامه خود را به سفارتخانه های ایران و عراق ارسال داشتند.

اثرش - وین - به ابتکار فداییان خلق و توده های هادریس نوزدهم فروردین ماه تظاهرات وسیع و گسترده ای در شهر وین برای اعتراض به ادامه جنگ و بمبارانهای جنایتکارانه مردم بی دفاع در کشور برپا گردید. در این تظاهرات تعداد کثیری از ایرانیان مقیم اتریش شرکت جستند و بیبا میها را از مقابل سفارت عراق به سمت سفارت جمهوری اسلامی در اتریش حرکت نمودند. در پی این شرکت کنندگان در این راهیما میها با صدور قطعنامه ای قطع فوری بمباران مردم بی دفاع مناطق مسکونی دوشکور، قطع فوری جنگ و استقرار صلح را خواستار شدند. در این راهیما میها تعداد زیادی از نمایندگان احزاب و نیروهای انقلابی و دموکراتیک اتریش شرکت جستند و از شرکت کنندگان در تظاهرات حمایت کردند.

ایتالیا - میلان - بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هادریس نوزدهم فروردین ماه تظاهرات وسیع در اعتراض به جنگ و بمبارانهای وحشیانه مردم بی دفاع دوشکور در میلان برپا گردید. این تظاهرات مورد حمایت مردم شهر میلان قرار گرفت و خبر آن به سرعت انعکاس یافت. شرکت کنندگان در این تظاهرات خواستار قطع فوری جنگ، قطع شکنجه و کشتار رمیهن پرستان در ایران و قطع جنایات علیه خلق گردیدند. در پی این تظاهرات از جانب فداییان خلق، توده های هادریس، نمایندگان احزاب کمونیست عراق (ایتالیا) و سازمان ایالتی حزب کمونیست ایتالیا، قطعنامه ای که در آن استقرار صلح و قطع بمبارانهای مناطق مسکونی خواسته شده بود، انتشار یافت.

سازمان ما به مناسبت نوزدهم بهمن سالگرد تأسیس سازمان همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و نیروهای انقلابی کشور ما اعلام داشتند. همچنین در این جشنها بیبا میهای بسیاری از جانشان احزاب و سازمانها و جمعیت های شرکت کننده در جشن دریافت

داشمارک - در جشن کینیا که میهانان ما از ملیت های گوناگون شرکت کردند. همچنین متجاسم از احزاب و سازمانها و جمعیت های مترقی ما را در بیبا میهای همبستگی خویش را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام نمودند. حزب کمونیست دانمارک با بیبا میهای که در جشن قرا شد، همبستگی خود را با سازمان و مردم میهن ما اعلام نمود. این بیبا میها با استقبال گسترده شرکت کنندگان در جشن روبرو گردید.

هلند - در جشن آمستردام تعداد زیادی از بیبا میهای احزاب سازمانها و جمعیت های انقلابی و دموکراتیک کشورهای مختلف جهان قرا شد گردید. این بیبا میها همگی حاکی از همبستگی گسترده نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان با مبارزات مردم میهن ما و سازمان ما بود.

یونان - در جشن آن رفیق اسپارستانا که بیبا میها به نمایندگی از جانب حزب کمونیست یونان در سوئد و همبستگی کمونیست یونان را با سازمان ما و مبارزات مردم ایران اعلام نمود. در این جشن همچنین بیبا میهای همبستگی با مبارزات مردم سازمان ما از جانب احزاب، سازمانها و جمعیت های انقلابی و دموکراتیک شرکت کنندگان در جشن در یونان که آسمانها در زیر آید دریافت گردید:

حزب کمونیست یونان، سازمان کارگران حزب کمونیست یونان، سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اسپانیا، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه پیشرو برای صلح و برابری در اسپانیا، جنبش پیشرو دانشجویان قبرس و نیروهای پیشرو لبنان.

فیلیپین - فداییان خلق در فیلیپین، علیرغم شرایط پلیسی و اختناق حاکم بر آن کشور که طبیعتاً فعالیتها را محدود کرده و مترقی با شرکتها در آنجا را با موانع جدی مواجه می سازد، با ابتکار خاص جشن چهاردهمین سال تولد سازمان را برپا ساختند. نماینده حزب کمونیست فیلیپین سخنرانی کرد و در همین سالگرد تولد سازمان را تبریک گفت و موفقیتهای پلنوم اخیر سازمان را ستود.

از میان گزارشها

اعتصاب کارکنان سازمان باهواز

کارکنان سازمان آب اهواز در رابطه با خواسته‌های منصفی خود از جمله افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. مسئولان حکومتی و ارگانهای سرکوبگر رژیم گهسه از اعتصاب آنها وحشت زده شده بودند به حربه سرکوب متوسل شدند. کارکنان مقام اعتصابی در مقابل یورش پاسداران ایستادگی نمودند و از خواسته‌های به حق خویش دفاع کردند. آنها می گویند افزایش غیرقابل تحمل هزینه‌های زندگی باعث شده است که حقوق و دستمزد اندک ما به هیچ وجه کفاف زندگی ما را نکند. یورش پاسداران خمینی باعث مجروح شدن تعدادی از اعتصابیون شد ولی مقاومت و ایستادگی آنها مسئولان را وادار به عقب نشینی کرد. مسئولین وعده داده اند که هر چه زودتر به خواسته‌های آنان رسیدگی کنند.

ناآرامی در دانشگاه تهران

تهران - ناآرامیهایی که از چندین پیش در دانشگاه تهران بروز کرده است، همچنان ادامه دارد. اقدامات انجمن اسلامی در جریان پلسوای حجاب بر آن دامن زد. از جمله حرکات او با شانه آنها در روز سوم اردیبهشت در دانشکده پزشکی با واکنش اعتراضی تند دانشجویان، کارمندان و استادان این دانشکده روبرو گردید. اختلاف میان کادر علمی و انجمن اسلامی نیز بر سر نحوه تدریس، شیوه اداره کلاسها و... بالا گرفته است. افراد انجمن اسلامی به خود حق می دهند هر زمان که بخواهند به بهانه خدمت درجه‌ای از آمدن به کلاس خوداری نمایند. از جمله آنها افراد انجمن اسلامی دانشکده هنرهای زیبا بودند که علیرغم غیبت چند ماه می خواستند به رتبه‌بندی که شده نمره قبولی بگیرند. معاون اداره آموزش دانشگاه که این رفتار آنها را تقبیح کرده بود با خشم آنها روبرو گردید. تفرات انجمن اسلامی به اتاق ریخته و او را مغرور کردند. گروهی از کادر علمی دانشگاه با صدور بیانیهای این اقدام را محکوم ساختند. در این بیانیه می‌جاچمین "اوباش" نامیده شدند. افراد انجمن اسلامی نیز متقابلا در هفتصد اردیبهشت بیانیهای صادر کرده و طی آن مخالفین را مورد تهدید قرار دادند.

اعتراض مجروحین به جنگ افروزی رژیم

تفرات و نزاع مردم از سیاستهای جنگ طلبانه و ضد مردمی رژیم روزبروز گسترده ترمی شود. در فروردین ماه سال جاری پس از شکست حمله (بدر) و پر شدن بیمارستانها از مجروحین جنگی، نماینده سپاه اراک برای باصلاح عیادت از مجروحین جنگی به یکی از بیمارستانهای اراک مراجعه می کنند. مجروحین پس از اطلاع از قضیه بلافاصله بدون آخوند مزبور حلقه زده و با نشان رخن و ناساز به جنگ و جنگ افروزی او و محافل پشت پرده از بیم راستان بیرون می کنند.

مبارزه و مقاومت دهقانان

دنیال صدور احکامی مبنی بر بازگشت بزرگ مالکان بر سرستانهای استان فارس، مقاومت و مبارزه دهقانان زحمتکش روستاهای منا طبق نورآباد، اقلید، ممسنی و مرودشت در مقابل بزرگ مالکان و ارگانهای حکومتی جزو قایع بزمه شده است.

در اقلید فارس، تعداد زیادی از دهقانان زحمتکش در مقابل احکام حاکم شرع مبنی بر بازگرداندن زمینهای خود به بزرگ مالکان ایستادند و از اجرای این احکام مانع کردند. آنها دستجمعی از مردم تهران شدند و به ملاقات نماینده اقلید در مجلس رفتند و او را مجبور کردند که از بازگشت بزرگ مالکان و خوانین به منطقه و احکام صادره انسی دادگاهها در مجلس محبت کند.

فشار روشنیقات علیه عشایر محروم

فارس - اخیرا ارگانهای سرکوب رژیم دست به فشار علیه عشایر فارس را به عنوان و بیگ گوناگون دستگیر می کنند. هم اکنون تعداد زیادی از دهقانان و عشایر زحمتکش این منطقه به دلیل مقاومت و مبارزه علیه

بزرگ مالکان با آنها مات واهی، آشوب و بی اغیگری در شیراز زندانی شده اند

اعتراض جمعی پیروزمند درواحد ارتشی مسجد سلیمان - چندی پیش در کارخانه نانک سازی مسجد سلیمان که توسط ارتش اداره می شود، یکی از کارکنان را به خاطر مشاخره لفظی با مسئول عقیدتی - سیاسی این واحد بازداشت کردند. به دنبال آن قریب به ۱۰۰ تن از پرسنل کارخانه متحدا به مسئولین مراجعه کرده و خواهان آزادی همکاران شدند. افسر فرمانده به تهدید آنان برخاست و گفت اعتراض جمعی در ارتش کیفر سختی دارد. اما معترضین علیرغم این تهدید، قاطعانه بر خواسته خود پایداری کردند تا توانستند در همان روز زندانی را آزاد نمایند.

گسترش اعتراض و مقابله مردم با رژیم

اخیرا به شرکتها و کارخانجات دولتی دستور داده شده است که در اولین فرصت نام و آرم شرکتها یا کارخانه هارا از روی وسایط نقلیه خود پاک نمایند. این امر به دلیل تشدید موج شنفروانچرا مردم از حاکمیت و ارگانهای تابعه اش می باشد. بیکسرات مشاهده شده است که مردم با بدیدن واسط نقلیه مزبور به آنها خساراتی وارد می سازند و مورد آردی نیز در اعتراض به رژیم آنها را به آتش کشیده اند.

واگذاری اموال مصدراهای به سرمایه داران بزرگ

به دنبال تصمیمات علنی رژیم مبنی بر بازگذاشتن دست سرمایه داران بخش خصوصی و بازار در چپاول و غارت ثروتهای مملکت و اموال مردم اخیرا کشت و صنعت شیروان که شامل هزاران هکتار از مرغوب ترین زمینهای زراعی منطقه است در اختیار یکی از سرمایه داران معروف بازاریار به نام حاجی طرخانی قرار گرفت و قرار است کارخانه قند شیروان نیز توسط همین شخص خریداری گردد. سابقا کشت و صنعت شیروان متعلق به هنریزادانی بود.

نقش امنیتی انجمنهای اسلامی

گسترش روزافزون جنبش کارگری حاکم خائنین جمهوری اسلامی را سخت به وحشت انداخته است. رژیم برای مقابله با این روژات کارگران کارخانجات اخیرا اقدام به اتخاذ یک سری تدابیر امنیتی کرده است. از جمله این اقدامات بازسازی انجمنهای اسلامی و گماردن ما موران اطلاعاتی و امنیتی در آنهاست. اخیرا انجمن اسلامی کارخانه ایران خودرو به تلاش گسترده ای جهت عضوگیری و جلب مجدد عناصر مستعفی از انجمن اسلامی دست زده است. به دنبال این اقدام از افراد شناخته شده ای که سابقا با ساواک همکاری می کردند، و در کنترل امور کارخانه از جانب ساواک دخالت داشتند، برای عقوبت در انجمن اسلامی ویا همکاری با آن دعوت بعمل آمده است.

در کارخانه فیات تهران نیز در سازماندهی انجمن اسلامی از پایین به بالاتر تغییرات زیادی بوجود آمده است. مراعاتی ترکیب جدیدرا عموما کارکنان کارگری که افرادی ارتجاعی و حجتیای می باشند تشکیل می دهند. این تغییرات اقدامات باعث شده است که اکثر کارگرانی که قبلادرا انجمن اسلامی فعالیت داشتند، دیگر حاضر به همکاری با آن نباشند.

شکست تلاش رژیم برای ایجاد بسیج

در کارخانجات تبریز

تلاشهای سپاه پاسداران تیریز برای ایجاد بسیج کارخانه در کارخانه های گوناگون با مقابله و بی اعتنائی کارگران مواجه شد. رژیم گهسه نتوانست با تشکیل کمیته انضباطی حراست و انجمن اسلامی مبارزه کارگران را کنترل کند، می گویند با توسل به حیللهای گوناگون جلوی مبارزه کارگران را بگیرد و یا ایجاد کارخانهای مختلفی که نقش اطلاعاتی دارند، در صفوف کارگران تفرقه بینا نندازد و از تشکلهای مبارزه آنها جلوگیری کند. سپاه پاسداران تیریز علیرغم تلاشهایش به دلیل مخالفت کارگران و عدم استقبال آنها نتوانست در لایسگاه تبریز و در کارخانه کبریت سازی ممتاز و احادیسی ایجاد کند. کارگران اکنون بیش از پیش به حیللهای رژیم پی می برند و به مقابله با آنها می پردازند.

اتحاد کارگران پروفیل نیمه سبک

کارگران کارخانه پروفیل نیمه سبک تهران به دنبال تصمیم مدیرعامل کارخانه مبنی بر جابجایی کارگران دست به اعتراض یکپارچه زدند. به دنبال

این امر مدیرعامل کارخانه تصمیم به اخراج کارگران معترض گرفت، کارگران کارخانه پروفیل نیمه سبک بطور متحد در مقابل اخراج همکارانشان که با اشتغال خود به بخش های دیگر مخالفت کرده بودند ایستادند و مدیرعامل کارخانه را مجبور به عقب نشینی کردند.

اخراج کارگران حربه رژیم برای مقابله با جنبش

رژیم همچنان به اخراج بدون وقفه کارگران ادامه می دهد. حکام جمهوری اسلامی از حربه اخراج برای مقابله با جنبش اوچ یا بنده کارگری سود می جویند. کارگران متحدا در مقابل این سیاست ضد کارگری رژیم خمینی می ایستادند و مبارزه می کنند. در این مورد وزارت کار، مدیریت و انجمنهای اسلامی کارخانجات واداستانی و سپاه و استنادا اینها همگام عمل می کنند. اخراج کارگران بعلل گوناگون صورت می گیرد، وضع بحرانی اقتصاد کشور و مبارزه گسترده کارگران برای تحقق خواسته های شان و در مخالفت با سیاستهای رژیم علت اصلی اخراجهاست.

چندی پیش رئیس اداره کار آذربایجان در سمنان مدیران کارخانجات و واحدهای دولتی که در اداره کار تیریز تشکیل شده بود، اعلام داشت: "بعلت بالا رفتن هزینه زندگی و پایین بودن دستمزد کارگران نارضایتی در میان کارگران بسیار زیاد است و ما نمی توانیم خواسته های کارگران را برآورده کنیم" او گفت: "... در کارخانجات بزرگ و مراکز کارگری دولتی ما به هیچوجه خواسته های کارگران را هر قدر که برحق باشد، نسیا بد قبول کنیم، زیرا بعد از آن طوی آنان را گرفت". در ادامه این سیاست اغلب کارخانه های تیریز دست به اخراج کارگران زدند از جمله کارخانه ماشین سازی تبریز اخراج ۷۰۰ نفر از کارگران را در دستور قرار داده است. و کارخانه آجر سازی تبریز نیز کارگران خود را اخراج نموده است. در کارخانه پشم و پوتی تبریز شیفت شب را تعطیل و کلیه کارگران را از اخراج نموده است. در کارخانه چرم سازی تبریز نامتدگان کارگران که در مخالفت با اعتصاب همکاران خود بودند، اخراج شدند. این وضع در واحدهای تولیدی دیگر نیز ادامه دارد.

بسیاری برای ساخت تجهیزات جنگی

اهواز - در کارخانه پایساز واقع در سه راه خرمشهر کارگران را مجبور ساختند بدون دریافت حق اضافه کاری تا دوساعت بیش از ساعات کاری روزانه کار نمایند. این اضافه کاری را بخاطر ساختن پلهای شناور ارتشی به کارگران تحمیل کردند.

مقاومت کارگران در برابر اخراج

کارخانه دارویی ایران شکوه وابسته به وزارت بهداشتی، مدتی است که مواد اولیه وارداتی برای تولید خود را در بازار آزاد به واحدهای دیگر می فروشد و خود به تولید میادرت نمی کند. علت این امر ظاهرا غیراقتصادی بودن تولید این کارخانه است. اخیرا مقامات وزارت بهداشت تصمیم به تعطیل کارخانه مزبور گرفتند. در پی این امر مدیریت ایران شکوه بلافاصله درمقابل اخراج کارگران کارخانه برآمد. این تصمیم با اعتراض و مقاومت یکپارچه کارگران روبرو گردید. مبارزه کارگران جهت لغو این تصمیم همچنان ادامه دارد.

زنان کارگر، خواستار مهدکودک هستند

تهران - مهدکودک کارخانه جاکموفوق العاده کوچک و غیربهداشتی است. کارگران تا کنون به دفعت نسبت به این وضعیت اعتراض کرده اند. چندی پیش عده ای از زنان کارگر همراه با یکی از مریبان مهد کودک برای طرح شکایت در این زمینه به وزارت کار مراجعت کردند. ولی نتیجه این شد که کمی بعد این مریبان از کار خارج نمودند. جرم او همراهی با زنان کارگر بود. چندی پس از آن وزارت کار طی حکمی دستور تعطیل این مهدکودک را صادر نمود. اما زنان کارگران اجرای این حکم جلوگیری کردند. اخیرا در پی اقدام تفضیحی دیگر دستور دادند که مداران حق ندارند در طول روز به نوزادان خود سر بزنند و یا به آنها غذا بدهند.

در همین کارخانه در پی افزایش شعارتوبی علیه رژیم ۵ تن از زنان کارگر را دستگیر کردند. آنها را تا روز ۵ اردیبهشت در زندان نگه داشتند و سپس به قید ضمانت آزاد ساختند.

